[کسب و کار از دیدگاه اسلام](http://groohemarketing.persianblog.ir/post/16/)

مقدمه:

فرهنگ اسلامی انسان را برای حضور در صحنه های کار و تلاش آماده می نماید و رمزهای موفقیّت را برای انسان روشن می کند و انسان را در ساختن زندگی یاری می نماید. امام علی (ع) می فرماید: بر شما باد به تلاش و سخت کوشی و مهیا شدن و آماده گشتن. به طاعت خدای سبحان دست نیابد مگر کسی که تلاش کند و نهایت کوشش خود را به کار گیرد.  
در این مقاله واژه فرهنگ به معنای علم، دانش،ادب، معرفت، تعلیم و تربیّت، آثار علمی و ادبی یک قوم و ملّت و واژه کار به معنای پیشه، شغل، عمل و عبادت انسانها به جهت تأثیر گذاری بر زندگی برای اداره اقتصادی، فرهنگی، بهداشتی، علمی ،اجتماعی و ... نیازهای فردی و اجتماعی جامعه اطلاق می گردد.  
در این مقاله به موضوع رابطه فرهنگ کار و کار شایسته؛ با بهره مندی ازرهنمودهای کتاب آسمانی قرآن و دیدگاه پیامبر اکرم ( ص) و همچنین ائمه معصومین ( ع ) پرداخته شده است. بدیهی است که این مقاله با توجّه به توانائی نویسنده و همچنین محدودیتهای مقاله به جهت زمان پردازش و ظرفیت متناسب با مقاله نگاشته شده است، از این رو هر گونه ضعف در پردازش، به دلیل محدودیّت های فوق می باشد. روشن است که چشمه جوشان فرهنگ غنی اسلام، مبنای همه رویکردها و راهکارهای مناسبی است که جامعه انسانی با کنکاش و تدبّر و تفکّر و به کار گیری و بهره مندی مناسب از رهنمودهای روشنگرانه آن، می توانند به سعادت و رستگاری دنیا و آخرت خود دست یابند. تأکید بزرگان دین و هدایتگران بشریت از استفاده از منبع فیض چشمه جوشان فضیلت به همین سبب است. در روایات آمده است: امام علی (ع) می فرمایند:  
" خدای سبحان کتابی راهنما فرستاد و در آن خوب و بد را روشن ساخت؛ پس راه خوبی را پیش گیرید، تا هدایت شوید و از کوره راه بدی دوری جوئید تا به مقصد برسید." "بدانید که شرایع دین یکنواخت است و راههایش رساننده ( به هدف ). هر که در این راه قدم گذارد ( به هدف ) رسد و سود برد و هر که از پیمودن آنها باز ایستد، گمراه وپشیمان شود. " مردم هیچ یک از مقررات دینی را برای سود دنیای خود ترک نمی گویند مگر آن که خداوند بر اساس نظام تکوین یا تشریع، دری را که زیان بارتر است به روی آنان می گشاید."  
انجام کار شایسته و با کیفیت مناسب همواره از مسائلی بوده است که بشر در دوره های مختلف زندگی خود بدان نیاز داشته است و برای انجام شایسته کار همواره تلاشهای زیادی نموده است. پیامبران وحکما و علماء و دانشمندان نیز با بهرهمندی از الهامات و تجربیات در این باره به مردم توصیه هائی داشته اند. قرآن و پیامبر اسلام و ائمه معصومین (ع) نیز در این رابطه توصیه های قابل ملاحظه برای بهرهمندی جامعه انسانی به ارائه نموده اند. که به جهت فراهم شدن پیشنیازهای انجام کار شایسته جامعه انسانی نیازمند برخورداری از شناخت و فرهنگ سازی مناسب دیدگاههای اسلامی است که با بهره مندی از آن به عنوان مبانی و راهبردها و راهکارها و اصول دستورالعمل وقانون کار؛ در فراهم شدن زمینه مناسب چرخش زنجیره فرایند کار و ایجاد محیطی سالم و پویا با نتایجی مفیدتر تأثیر بسزائی خواهد داشت. در این مقاله به عوامل به مسائل و عوامل مؤثر فرهنگ کار در خلق کار شایسته در حد امکان محدودیتهای مقاله پرداخته شده است. امید است با بهره مندی از عوامل مؤثر در خلق کار شایسته جامعه کار آفرین در بستر سازی و زمینه سازی خلق کار شایسته موفقیّتهای لازم را کسب نمایند و همچنین جامعه کاری نیز با آشنائی با فرهنگ کار شایسته به کسب توفیقات لازم در خلق کارشایسته نائل شوند و همگی موجب استمرار چرخه رو به رشد کار شایسته گردند، تا رضایتمندی لازم از تلاش و پشتکار نیروی کار و سرمایه های عمر و زمان زمان و مالی به شایستگی حاصل شود.

سفارشهای اسلام درباره تجارت چنین است:

اول آگاهی، دوم عمل  
در اسلام تجارت نیز مثل اعمال دیگر به پنج نوع تقسیم می‏شود:  
1-واجب; مانند تجارتی که شخص برای تامین مخارج خودوخانواده‏اش انجام می‏دهد. یا دادو ستدی که ترک آن، خطر اقتصادی‏برای مسلمانان پدید می‏آورد.  
2- مستحب; مانند تجارتی که برای جامعه مفید است.  
3- مکروه; مانند صرافی، کفن فروشی و ذبح حیوانات در صورتی‏که شغل دائم باشد.  
4- مباح; مانند معاملاتی که نه موجب زیان فرد یا جامعه‏است، نه مورد احتیاج آنها.  
5- حرام; مانند خرید و فروش مواد مخدر، مشروبات الکلی، ربا،نوارهای موسیقی مستهجن و آنچه موجب ضعف یا سقوط اسلام ومسلمانان شود.  
انسان برای این که دربخش ممنوع تجارت قدم نگذارد و از بخش‏واجب و مستحب غافل نگردد، باید دستورهای اسلام دراین باره را به‏خوبی بداند.  
اصبغ بن نباته می‏گوید: بارها از امیرمومنان علی(ع)شنیدم که‏ می‏فرمود: «اول آگاهی، سپس تجارت.»  
حضرت این جمله را سه مرتبه تکرار می‏کرد: «یامعشرالتجار،الفقه ثم المتجر» ; به خداسوگند، رسوخ ربا در این امت از حرکت‏مورچه‏ای برسنگ صاف بی‏صداتر است. تاجر فاجر است و فاجر درآتش‏است، مگر تاجری که حق بگیرد و حق بپردازد.  
آداب تجارت در اسلام :  
در شرح لمعه آداب تجارت طی 24 دستور مورد بحث قرار گرفته است که به شرح ذیر می باشد :  
1) برای تشخیص عقد صحیح از فاسد و پرهیز از ربا تاجر باید به احکام فقهی آگاهی داشته باشد .  
2) تاجر باید بین متعاطین با عدل و انصاف و مساوات رفتار نماید به طوری که بین مُماکِسْ و غیر آن و همچنین بین شخص شریف و حقیر فرقی نگذارد ، البته تاجر می تواند میان متعاطین به سبب دانش و تدین اختلاف قائل شود .  
3) تاجر مکلف است چنانچه یکی از مشتریان از معامله اظهار عدم رضایت نموده معامله را اقاله یا تفاسخ نماید . در این صورت مورد حدیثی است از امام صادق (ع) که می فرمایند : هر بنده مسلمانی در تجارت برادر مسلمانش را ( که نادم است ) اقاله نماید خداوند در روز قیامت از خطای او نمی گذرد .  
اما برای اقاله دو شرط اساسی وجود دارد : یکی اینکه : متعاطین از مجلس عقد متفرق شده و دیگر شرط عدم خیار نکرده باشند ، بنابراین ، اگر در معامله خیار فسخ شرط شده باشد نیازی به اقاله نخواهد بود .  
4) تاجر نباید کالای خود را برای جلب افراد نا آگاه بیارآید البته آراستن کالا در غیر مورد مذبور و به طور معمول و مطلو باشد اشکالی نخواهد داشت .  
5) هر گاه در متاع عیبی اعم از آشکار و نهان باشد فروشند باید آن را به خریدار اظهار نماید ، البته چنین اعلامی کمال خیر خواهی و تمامیت ایمان تاجر است که نمی خواهد طرف معامله از روی جهل متضرر شود .  
6) سوگند یاد کردن به هنگام خرید و فروش منع گردیده است . در این مورد رسول خدا ( ص) می فرماید : وای بر تاجر که تکیه کلامش به هنگام معامله (( نه به خدا )) و (( بلی به خدا )) باشد و نیز می فرمایند : که تاجر در داد و ستد 5 خصلت زیر را در خود حفظ کند :  
1- ربا نگرفتن 2- سوگند نخوردن 3- عدم کتمان عیب کالا 4- تعریف نکردن کالا هنگام فروش 5- مذمت نکردن کالا هنگام خرید .  
7) متعاطین می توانند در خرید و فروش تسامح و سهل انگاری نمایند به خصوص در خریدهایی که برای عبادت و اطاعت خداوند باشد چنین ایجاد تسهیلات باعث برکت و وفور نعمت را فراهم می سازد .  
8)مشتری باید پس از خرید کالا 3 مرتبه تکبیر بگوید و همچنین شهادتین یا به عبارت دیگر وحدانیت خداوند تبارک و تعالی و رسالت نبی اکرم (ص) را بر زبان جاری سازد و سپس این جمله را بیان نماید : خداوندا ، من این کالا را خریداری نمودم و از درگاه تو خواستارم که در این فضل و زیادی قرار دهی و نیز به سبب آن رزق و روزی که بدان نیاز دارم عطا کنی .  
9) در تجارت باید اندازه سمن و مبیع معین و معلوم باشد در غیر این صورت و در حالت مجهول بودن مورد معامله به تجارت خلل وارد می شود .  
10) در تجارت باید هیچ یک از بایع و مشتری کالای خود را نستاید و از متاکالای طرف مقابل مذمت نکند .  
11) از جمله مستحبات است که تاجر از گرفتن ربح ( بهره ) از فرد مومن خودداری نماید در این مورد روایتی است از امام صادق ( ع ) : ربح گرفتن مومن از مومن حرام است ولی فقها آن ا به کراهت گرفته اند ، مگر اینکه بیش از صد درهم باشد که در این صورت به اندازه مخارج روزانه از او سود بگیرد ، یا اگر طرف معامله کالا را برای تجارت خریداری کند تاجر می تواند با رعایت ارفاق از او ربح اخذ نماید .  
12) تاجر باید ب کسی ک وعد حسان و ارفاق داداست از او ربح اخذ نکند در این موردروایتی است از امام صادق (ع) :  « هر گاه مرد بایع به مشتری بگوید که بیا با تو درمعامل با احسان رفتارمی کنم در این صورت ربح گرفتن از او       حرام است .  
13) دیگر از آداب نیک تجارت است که تاجر در ورود به بازار برای شروع تجارت سنیت به دیگران سبقت و پیشی نگیرد و سعی کند از تامین مخارج روزانه خود زودتر از سایر تجار به کسب خود خاتمه دهد و بازار را ترک کند . زیرا بازار پناهگاه شیاطین بوده و در آنجا دام کم فروشی و ربا ، اجحاف به مردم گسترده شده است . اما برعکس ، مسجد محل فرشتگان الهی است بایستی برای رفتن به آنجا تعجیل نمود و نیز سریعاً خارج نشد .  
14) از جمله آداب حسنه تجارت ، خود داری معامله با اشخاص پست و آنانی که در تجارت کالای کم ارزش و غیر معتنانه را محاسبه می کنند و یا افرادی که خوبی و بدی در حق آنان تاثیر نداشته به عبارت دیگر لا ابالی و بی مبالات هستند ، می باشد .  
ضمناً مستحب است که با محارضین ( کسانی که تجارت با آنها خیر و برکتی ندارد ) و مووفین ( کسانی که دارای نقص بدنی مانند : جنون و برص و ... ) و کفار اهل ذمه ) و یا افرادی که اموالشان با حرام مخلوط است ، معامله ننماید .  
ولی قانون مذکور را نمی توان به کفار حربی و مسلمینی که به کفر محکوم گردیده اند مانند:خوارج ، نواصب ، و غلاه بستری داد .  
15) تاجر نباید در وزن و پیمانه بی تفاوت باشد به نحوی که از لحاظ زیاد ، و نقصانی منتهی به حرام گردد ، بعضی گفته اند که چنین روش در تجارت کراهت دارد .  
16) تاجر نباید در حین ندای منادی نرخ کالا در بازار را افزایش دهد . در این مورد امام علی (ع) می فرماید : به هنگام ندای منادی در بازار افزایش قیمت حرام است مگر پس از سکوت منادی که در این صورت چنین افزایشی حلال خواهد بود .  
17) دیگر از آداب تجارت خود داری از معامله در فاصله بین طلوع خورشید است زیرا نبی اکرم (ص) تجارت در طول مدت مذکور که مختص دعا و خواسته های مادی و معنوی از خداوند است را نهی فرموده اند .  
18) تاجر نباید در معامله برادر مومن خود مداخله نماید کراهت و حرمت این عمل وقتی است که شخص ثالثی در انجام معامله ای که بین طرفین توافق شده و یا نزدیک به تراضی می باشند اقدام نموده و معامله را بر هم زند مگر اینکه شخص اخیر از جریان توافق آگاهی نداشته باشد .  
19) مکروه است کسی از اهالی شهر در متاعی که از ده به سوی شهر سرازیر می شود جلو رود و برای فروش قبول وکالت کند به این عنوان که کالا را بیش از خواسته صاحبش به فروش رساند .  
20) در صورت موجود بودن شرایط زیر نباید از وسایط نقلیه حامل کالاهای تجاری که از شهری به شهر دیگر حمل می شود پیشواز گردد :  
- فاصله کاروان تا شهر بیش از 4 فرسخ نباشد   
- قصد و نیت پیشواز کنندگان عرضه و تقاضای کالا باشد .  
- افراد کاروان از نرخ های کالا در شهر بی اطلاع باشند .  
- ولی اگر فاصله کاروان تا شهر بیشتر از 4 فرهنگ بوده و یا افراد کاروان از نرخ کالا در شهر آگاه باشند در این صورت برای معامله پیشواز کنندگان کراهتی در بین نیست .  
21) خود داری از احتکار و آن عبادتست از منع جمع آوری و نگهداری و حبس آذوقه مورد نیاز مردم به قصد افزایش قیمت آنها .  
ارزاقی که انباشتن آنها احتکار محسوب می شده است عبارتند از : گندم ، جو ، خرما ، کشمش ، روغن زیتون ، نمک .  
بدیهی است که با گذشت زمان که ما یحتاج مردم به موازات آن تغییر کرده است با تشخیص اهل خبره می توان لیستی از آنها تهیه کرد و به اطلاع حاکم شرع جهت جلوگیری از احتکار رسانید . ضمناً انباشتن کالا وقتی احتکار محسوب    می شود که در شهر کسی جهت عرضه ، آن کالا را در اختیار نداشته باشد .  
22) ازجمله آداب مذموم در تجارت اخذ ربا است که در این مورد قبلاً توضیح داده شد.  
23) از آداب تجارت ترک اخذ سود به نسبت سرمایه است . مثلاً اگر کسی ده هزار تومان سرمایه داشته باشد و کالایی را بفروشد و به نسبت سرمایه 100 تومان سود مطالبه نماید عده ای ار فقها قائل به حرمت چنین تجارتی هستند ولی عده دیگر آن را مستحب می دانند .  
24) دیگر از آداب تجارت ، خود داری از معامله ای است که پس از وزن وکیل کالا مورد معامله قابل قبض نباشد . عده ای از فقها از جمله شیخ طوسی ( ره ) قائل به تحریم جنین معامله است ولی عده دیگر نهی راحمل به کراهت نموده اند .  
در کتاب جامع عبای تجارت و کسب بر 5 قسم تقسیم شده است :  
اول : تجارت و کسب واجب : آن وقتی است که تامین زندگی همسر و اشخاص واجب النفقه موصوف به تجارت باشد و مطلق تجارت که موجبات بقای نظام جامعه را فراهم می سازد واجب کفایی است .  
دوم : تجارت و کسب سنت ، و آن تجارتی است که به منظور وسعت بخشیدن به زندگی اهل و عیال و نفع رساندن به مسلمانان انجام پذیرد .  
سوم : تجارت و کسب مکروه که مبادرت به آن مهر و شفقت و عواطف انسانی را تضعیف کرده و در بعضی موارد نیز شقاوت را در دل انسان تقویت می نماید مثل : بیع کفن ذبح و حیوانات و حجامت .  
پنجم : خرید و فروش چیزهای نجس(تجارت و کسب حرام و آن تجارتی است که شامل وجه قبیح بوده .  
جریانات انحرافی در مسیر تجارت :  
از جمله انحرافاتی که مکتب اسلام به طور جد با آن مقابله کرده است معاملات ربوی است .  
مفهوم ربا  
ربا در لغت به معنای فزونی و افزایش است و در اصطلاح فقهی نوعی اضافه و افزایش است که با شرایطی خاص یک طرف قرار داد از دیگری دریافت می دارد .

اقسام ربا

در فقه اسلام دو نوع ربا بررسی شده است :  
1-ربای قرضی  
2-ربای معاوضی ( معاملی )  
  
  
  
ربای معاوضی  
این نوع از ربا هنگام مبادله دو کالای هم جنس با یکدیگر و فزونی یکی از آن دو بر دیگری رخ می دهد بنابراین برای مثال اگر یک کیلو گندم با دو کیلو گندم دیگر ، یا یک کیلو گندم با یک کیلو گندم و مبلغی پول ضمیمه مبادله شود ، وجود اضافه ، موجب ربوی شدن معامله می گردد و نقد یا نسیه بودن معامله در آن تفاوت نمی کند .  
در فقه اسلامی برای تحقق ربای معاوضی دو شرط ذکر شده است :  
1- کالاهایی که با یکدیگر مبادله می شوند از یک جنس باشند .  
2-خرید و فروش کالاها به کمک پیمانه وکیل یا توزین صورت گیرد .  
بنابراین اگر کالاهای مورد مبادله از یک جنس نباشند یا از توزین و پیمانه در خرید و فروش آنها استفاده نشود و به صورت شمارشی ( معدود ) یا متری و ... خرید و فروش شوند مشمول این حکم نیستند و می توان آن ها را مبادله کرد .  
توجه به دو نکته خالی از فایده نیست :  
1-تحریم ربای معاملی موجب بطلان اصل قرار داد نمی شود و بنا بر نظر مشهور فقها تنها اضافه ای که در قرار داد قید گردیده یا یکی از طرفین دریافت کرده باطل است و باید برگشت داده شود .  
2-این نکته نیز باید مورد توجه قرار گیرد که تحریم ربای معاوضی منافاتی با معاملات صحیحی که به صورت نسیه انجام می گیرد ندارد و در جای خود دلایل مربوط به آن را یاد آور می شویم ، ولی آشنایی و به کارگیری قوانین و مقررات موضوعه می تواند جلو انحرافات بازرگانی را از مسیر طبیعی بگیرد . از این رو روایات فراوانی از پیشوایان دینی حکایت از لزوم فراگیری مسائل و قوانین بازرگانی دارد امیر مومنان علی (ع)به عنوان حاکم اسلامی روزها به بازار و محل تجمع بازرگانان سرکشی می فرمودند و آن ها را به فراگیری مسائل شرعی و بکارگیری آن ها سفارش می کردند .  
قراردادهای بازرگانی  
انسان ها از دیر باز برای جلوگیری از هر گونه نزاع و اختلاف در امور اجتماعی و به خصوص در فعالیت های اقتصادی ، به انعقاد قرار داد پرداخته اند .  
در شریعت اسلامی بسیاری از این قراردادها تائید یا تصحیح شده و پای بندی به آنها لازم شمرده شده است و در فقه اسلامی قرار دادهای مشروع و قانونی بررسی شده .  
  
اقسام قرار داد  
در یک دسته بندی کلی قرار دادها به دو دسته تقسیم می شوند : 1- لازم 2- جایز  
قرار داد لازم آن است که طرفین تا پایان دوره تعیین شده در قرار داد ملتزم به آن باقی بمانند و بجز با توافق دو طرف قابل فسخ نیست . ولی در قرار دادهای جایز ، امکان فسخ قرار داد از سوی هر یک از طرفین وجود دارد .  
قرار دادها از نظر لزوم و جواز به پنج حالت تصویر می شوند :  
1-    قرار دادهایی که از سوی هر یک از دو طرف بدون رضایت طرف مقابل قابل برگشت نیست و لازم الاجرا است ، مانند بیع بدون شرط .  
2-قرار دادهایی که از سوی هر یک از دو طرف قابل برگشت و انصراف است ، مانند مضاربه و وکالت .  
2-قرار دادهایی که از یک طرف قابل فسخ است ، مانند رهن که فقط رهن گیرنده می تواند عین مرهونه را یک طرفه بازگشت دهد .  
3-قرار دادهایی که در آغاز قابل برگشت است ولی با گذشت زمان و به وجود آمدن شرایط خاص لازم الجرا می شود ، مانند وصیت که قبل از فوت وصیت کننده قابل فسخ است ولی که بعد از فوت وی ، وصی ملزم به اجرا و عمل به موارد وصیت شده است .  
4-قرار دادهایی که در آغاز قابل برگشت نیستند ولی پس از مدتی در صورت عدم تحقق شرایط مذکور در قرار داد ، قابل برگشت و فسخ می شوند ، مانند بیع مشروط که ابتدا عقدی لازم است ولی با محقق نشدن شرط ، قرار داد فسخ می شود ، هر چند قرار داد بیع بر لزوم خود باقی است .

شرایط قرار داد

قراردادهای شرعی دارای شرایط و خصوصیاتی در اصل قرار داد ، طرفین قرار داد ، متعلق قرار داد ( آنچه به جهت آن قرار داد تنظیم شده است ) و تعهدات پس از انعقاد قرار داد می باشند که برخی از شرایط در همه آن ها به طور مساوی باید تحقق یابد و در برخی ، شرایط خاصی باید به وجود آید و بدون توجه به شرایط مذکور ، یا قرار داد باطل است و یا آثار حقوقی خاصی بر آن مترتب می گردد که در این قسمت به توضیح هر کدام می پردازیم :  
  
  
قرار داد ( عقد )  
قرار داد یا عقد ، تعهدی است بین دو نفر یا بیش تر که در آن به توافق رسیده اند . در فقه اسلمی علاوه بر توافق مذکور برای انعقاد قرار داد ایجاب و قبول لفظی شرط شده است . یعنی یکی از طرفین قرار داد که توسط قانون معین می شود ابتدا رضایت خود را نسبت به مفاد قرار داد ابزار می دارد سپس طرف دیگر آن را قبول می کند ، مثلاً در قرار داد بیع (خرید و فروش) ابتدا فروشنده رضایت خود را نسبت به فروش کالای خود به قیمت مذکور اعلام می کند و خریدار بلافاصله رضایت و تعهد خود را نسبت به پرداخت کالا یا مبلغ تعیین شده با لفظ حاکی از قبول ابزار می دارد .  
ایجاب و قبول چه به صورت لفظی یا عملی شرط انعقاد قرار دادهاست و بدون آن از نظر حقوقی اثری بر قرار داد مترقی نمی گردد البته مشهور فقها ایجاب و قبول عملی را رد بیش تر قرار دادها پذیرفته اند و به زبان آوردن الفاظ حاکی از رضایت را در انعقاد قرار داد لازم ندانسته اند : مثلاً در خرید و فروش ، پرداخت ثمن توسط خریدار و تحویل کالا توسط فروشنده ، حکایت از انعقاد قرا داد و رضایت طرفین می کند . در اصطلاح فقهی اگر در معاملات ازایجاب و قبول لفظی استفاده نشود آن معامله را « معاطاتی » می گویند .  
در روابط اجتماعی مورد تائید شرع علاوه بر قرار دادهایی که بین دو یا چند نفر منعقد می شود و مشروط به تعهد و توافق آن هاست ، روابطی دیده می شود که صرف التزام یک طرف به انجام دادن تعهدی که به آن رضایت داشته است ، کافی است . در اصطلاح فقهی این التزام « ایقاع» نامیده می شود و نیاز به قبول طرف مقابل ندارد . تسلط و اختیار افراد در ملک یا حق قانونی خود برای واگذاری به دیگری مبنای فقهی صحت چنین التزامی است ، مانند وقف ، وصیت ، ابرا ، اعراض و ....  
ایقاعات همانند عقود به دو دسته لازم و جایز تقسیم می شوند : برای نمونه وصیت یکی ازایفاعات جایز به شمار می آید . از این رو وصی تا زمان حیات وصیت کننده می تواند وصیت را نپذیرد و خود را عزل کند .  
شرایط طرفین قرار داد  
طرفین همه قرار دادهای شرعی باید دارای شرایط زیر باشند :  
1-بلوغ : شرط بلوغ در طرفین قرار داد موجب عدم انعقاد قرار دادهایی است که توسط افراد نا بالغ انجام گرفته است مگر این که از طرف افراد بالغ مامور شده باشند . مشهور فقها معاملات جزئی توسط افراد نا بالغ و قرار دادهایی را که زیر نظر بالغین انجام می دهند صحیح دانسته اند .  
2-عقل : قرار دادهای دیوانگان مورد تائید شرع و قانون نیست .  
3-رشد : قرار دادهای افراد سفیه مشروع نیست . سفیه کسی است که تصرف او در اموالش عاقلانه نیست و نمی تواند منافع مالی خود را تامین کند .  
4-توجه و قصد : قرار دادهایی که فاقد اراده جدی است و به انگیزه شوخی یا به سبب سهو و فراموشی منعقد می شود دارای اعتبار قانونی و شرعی نیست .  
5-اختیار : قرار دادهایی که به اجبار و اکراه دیگری منعقد شده باطل است و از نظر شرعی و حقوقی لازم الاجرا نیست . ولی قرار دادهایی که از روی اضطرار بسته می شود از نظر فقهی باطل نیست .  
6-عدم محجوریت قانونی : مالکیت افراد یا وکالت و ولایت آن ها ، امکان انعقاد هر قرار داد شرعی و قانونی را به آن ها می دهد : زیرا در محدوده ملکیت افراد ، حق تصرف و نقل و انتقال تا زمانی که قانون منع نکرده باشد و به دیگری آسیب نرساند باقی است . ولی اگر عواملی چون عدم بلوغ ، سفاهت ، افلاس ، جنون ، مرض موت و ... عارض شود افراد ، علی رغم بقای مالکیت شان ، اجزه تصرف و انعقاد قرار داد را ندارند . در اصطلاح فقهی به این افراد محجور می گویند و در دوران محجوریت ولی یا حاکم شرع مسئولیت قرار دادها بر روی املاک آن ها را به عهده می گیرد .  
موضوع قرار داد  
موضوع قرار دادهای بازرگانی کالایی است که به موجب قرار داد به دیگری منتقل می گردد یا انجام دادن خدمتی است که به موجب آن برای دیگری تعهد می شود و باید دارای شرایط زیر باشد :  
1-مالیت داشته باشد : یعنی در جریان مبادلات و داد و ستد مردم واقع شود و برای طرفین مبادله دارای ارزش مالی باشد . بنابراین اشیائی مانند هوا و نور خورشید و یا یک دانه گندم و .. نمی تواند موضوع قرار داد بازرگانی قرار گیرد .  
2-معلوم و معین باشد : بر اساس این شرط قراردادهایی که در آن مقدار و خصوصیات موضوع قرار داد معلوم نباشد یا بین چند کالای دیگر مردد باشد فاقد ارزش شرعی و باطل است . البته در قرار داد صلح شرط معلومیت مقدار دقیق کالا برداشته شده است ولی معین بودن کالا لازم است .  
3-قابل دسترسی و تحویل باشد : قرار دادهایی که طرف قرار داد قادر به تحویل موضوع آن ها نیست ، یا به طور کلی دسترسی نیست مانند قرار داد فروش کالای مسروقه که اطلاعی از آن در دسترس نمی باشد یا فروش پرندگانی که از قفس پریده اند و فروشنده قادر به تحویل آن ، نمی باشد ، ممنوع و باطل است .  
4-نقل و انتقال آنها ممنوع نشده باشد : انعقاد قرار داد در برخی از اشیا به دلیل عارض شدن شرایط جدید ممنوع است برای مثال در مورد ملکی که در گرو و رهن دیگری است مالک اصلی بدون اجازه از گروگیرنده ، نیم تواند قرار داد جدیدی منعقد کند .  
5-شرایط اختصاصی برخی از قرار دادها : برخی از قرارداد ها علاوه بر شرایط مذکور باید شرایط ویژه ای داشته باشند ، مانند قرار داد مضاربه یا بیع سلف و .. که در قسمت انواع قرار داهای بازرگانی به آن ها اشاره خواهیم کرد .  
تعهدات طرفین قرار داد  
اساس قراردادها بر تعهدی است که طرفین قرار داد به آن ملتزم شده اند و در صورت عدم التزام به تعهدات ، قرار دادها فاقد آثار حقوقی می گردند . تعهدات در قرار دادها به دو صورت است ، گاهی به طور صریح در قرار داد ذکر می شود و گاهی بدون ذکر صریح ، مورد پذیرش همگان قرار می گیرد ، برای مثال در معاملاتب که به صورت نقدی انجام می گیرد تا زمانی که قیمت تعیین شده به صورت پول یا کالا پرداخت نگردیده و کالای مورد معامله تحویل خریدار نشده است آثار حقوقی نقل و انتقال و ملکیت جدید حاصل نیم آید ، یا اگر شرایطی که در قرار داد بدان تعهد داده شده است محقق نگردد قرار داد قابل فسخ می باشد .  
از این رو تعهدات نقش مهمی در انعقاد کامل قرار دادهای و اعمال آثار حقوقی دارد و مانع معاملات صوری و معاملاتی است که به زیان یک طرف است . در این جا بعضی از نقض تعهداتی را که موجب اختیار طرف مقابل برای فسخ قرار داد یا درخواست جبران از طرف دیگر می گردد یاد آور می شویم :  
1-زیان بار بودن موضوع قرار داد ( خیار غبن ) : در صورتی که طرف قرار داد احساس کند که مغبون شده است و در هنگام توافق و انعقاد قرار داد به صورتی زیان دیده ، به او این اختیار داده شده است که با ادعای خیار غبن قرار داد را فسخ کند یا شرایط قرار داد را تغییر دهد .  
2-معیوب بودن موضوع قرار داد : معیوب بودن آنچه قرار داد بر روی آن بسته شده یکی از عواملی است که این اختیار ره به مشتری می دهد تا قرار داد را یکطرفه فسخ یا تقاضای ما به التفاوت کند . در اصطلاح فقهی به این اختیار ، خیار عیب می گویند .  
3-تخلف از شرایط مندرج در قرار داد ( خیار تخلف شرط ) : در قرار دادهایی که مشروط به شرایطی است اگر هر یک ازطرفین قرار داد به آن شرتیط عمل نکند ،طرف مقابل می تواند قرار داد را فسخ یا او را وادار به انجام شرط بنماید . البته خیارات دیگری در فقه اسلامی مطرح شده است که در جای خود بررسی می گردد .  
فعالیتهای اقتصادی حرام  
آثارحقوقی برخی از قراردادهای بازرگانی در شریعت اسلام مورد پیرش قرار نگرفته و در فقه اسلامی تحت عنوان مکاسب محرمه معرفی شده است .  
علاوه بر تحریم پاره ای از فعالیت های اقتصادی ، حکومت اسلامی مانع انجام برخی زا آنها می شود و یا مجازات هایی را برای عاملین آن در نظر می گیرد . بررسی فلسفه تحریم این گونه فعالیت ها مجال دیگری می طلبد ولی به برخی از علل و حکمت های آن در ادامه مباحث اشاره خواهیم کرد . فعالیت های اقتصادی ممنوع متفاوت اند ، در برخی از آن ها حرمت تکلیفی و وضعی هر دو و در برخی یکی از آنها وجود دارد که نمونه هایی از آن ها را در خلال مباحث آتی بر   می شماریم .  
انواع قراردادهای بازرگانی  
در این قسمت در صدد بیان همه قرار دادهای شرعی نیستیم و به بیان قرار دادهایی که معمولاً بازرگانان از آنها بهره   می گیرند بیان همه قرار دادهای شرعی نیستیم و به بیان قرار دادهایی که معمولاً بازرگانان از آن ها بهره می گیرند    می پردازیم . این قرار دادها عبارتند از : بیع ( خرید و فروش ) ، مضاربه ، جعاله ، مشارکت ، اجاره ، مزارعه و مساقات .  
1-بیع ( خرید و فروش )  
بازرگانان ، چه از سرمایه شخصی خود استفاده نماید و چه به صورت مشارکت با دیگران یا به عنوان عامل برای صاحبان سرمایه کار کنند ، ناچار به استفاده از قرارداد بیع برای داد و ستدها می باشند . به جهت کاربرد وسیع این قرارداد توضیح انواع مختلف آن می پردازیم .  
بیع از عقود لازم است و به سه صورت انجام می گیرد : نقدی، نسیه و سلف .  
  
بیع نقدی  
در اصطلاح فقهی به قراردادهایی که در آن از الفاظ ایجاب و قبول استفاده می شود و هر یک از فروشنده و خریدار ، موافقت خود را به صورت کتبی و یا شفاهی اعلام و ابراز می دارند بیع عقدی گویند و به مبادلاتی که به صورت عملی و بدون ایجاب و قبول لفظی صورت گیرد بیع معاطات گویند .  
اگر در قرارداد بیع سخنی از زمان پرداخت قیمت کالا توسط خریدار به میان نیاید معامله در حکم بیع نقد است و فروشنده پس از انعقاد قرارداد می تواند قیمت توافق شده را مطالبه کند . بنابراین در بیع نقدی کالای مورد مبادله و بهای آن ، در زمان انعقاد قرارداد به طرف مقابل تحویل می گردد .  
بیع نسیه  
بجز در موارد محدودی مانند مبادلات نسیه طلا به طلا و نقره به نقره خرید و فروش نسیه در فقه اسلامی تجویز شده است تا خریدار فرصت بیش تری برای پرداخت قیمت کالاهای خریداری شده داشته باشد .  
برخی درباره اضافه قیمتی که معمولاً در معاملات نسیه نسبت به معاملات نقدی دریافت می گردد ، از آن جهت که شکل معاملات نسیه را هم مانند معاملات ربوی می سازد ، بحث کرده اند .  
در متون فقهی شیعه با توجه به شرایط و احکام مربوط ، این افزایش در قیمت که به صورت پول یا کالا و یا ارائه خدمات دریافت می شود جایز و صحیح شمرده شده است . مبنای پذیرش افزایش بها در معاملات نسیه بر خلاف معاملات قرضی ربوی یکی از امور زیر مطرح شده است :  
1-هزینه فرصت : فروشنده ای که کالای خود را به صورت نسیه می فروشد از فرصت هایی که در صورت نفروختن یا فروش نقدی آن برایش وجود داشته است صرف نظر کرده و برای جبران منافعی که در آن فرصت های می توانست به دست آورد ، قیمت کالا را به صورت نسیه بیش تر از قیمت نقد آن تعیین می کند . البته این توجیه در قرض ربوی پسندیده نیست . زیرا پس از انعقاد قرار داد قرض ، قرض دهنده مالک مال قرض داده شده نیست بلکه مالک ذمه است و رابطه او با مال قطع شده است . ولی قرض گیرنده به واسطه مالکیتی که پیدا می کند حق هر گونه تصرف در آن را داراست و از هزینه فرصت های آن می تواند استفاده کند .  
2-امساک از مصرف : فروشنده کالا به صورت نسیه می توانست از فروش آن صرف نظر کند و خود شخصاً کالای مزبور را مصرف نماید یا با فروش نقدی آن ، زمینه خرید و مصرف کالاهای دیگری را برای خود فراهم کند . اقدام به بیع نسیه این امکان را از فروشنده سلب نموده است و از نظر قانونی و حقوقی هیچ منعی برای جبران آن به وسیله افزایش بها وجود ندارد . در حقیقت می توان گفت این افزایش ، پاداش امساک او از مصرف است .  
3-ارجحیت زمانی : معمولاً حال بر آینده ترجیح داده می شود و عبارت فقهی « و لجل قسط من الثمن » حکایت از ارزشمندی زمان دارد . بنابراین ، بهره مدت زمانی را که فروشنده از مزایای مال خود برخوردار نیست می تواند در قالب سود بیش تر و افزایش قیمت فروش ، جبران کند .  
در نظام اقتصاد اسلامی قرار داد بیع نسیه کاربردهای فراوانی دارد و یکی از راه های تامین سرمایه بازرگانی است ولی برخی از معاملات نسیه ، ظاهر سازی برای فرار از رباست . لذا به منظور مصونیت از ربوی شدن معاملات باید در انعقاد قرار داد ها دقت شود ، از این رو به بعضی از احکام آن اشاره می کنیم :  
1-خریدار ضمن قرار داد بیع نسیه نمی تواند شرط کند که فروشنده پس از قرار داد ، آن را به صورت نقد خریداری کند . هم چنین برای فروشنده چنین شرطی جایز نیست که مشروط بر فروش نقد به خودش ، کالایی را نسیه بفروشد . ولی چنانچه به صورت شرط نباشد و پس از انعقاد قرار داد بار دیگر با هم توافق کنند مانعی ندارد .  
2-پس از انقضای مدت قرار داد بیع نسیه ، چنانچه خریدار قادر به پرداخت قیمت نباشد یا خواهان تمدید مهلت پرداخت شود فروشنده نمی تواند برای مدت اضافه (تاخیر ) اضافه بر مبلغ توافق شده چیزی مطالبه کند . ولی اگر قبل از موعد مقرر خریدار با توافق فروشنده مبلغ کم تری بپردازد بلا اشکال است .  
3-فروش نسیه برخی از کالاها به هم جنس خود مانند فروش طلا به طلا و نقره به نقره ممنوع و حرام است و معمولاً انگیزه ای جز فرار از ربا در این گونه معاملات وجود ندارد . هم چنین در کالاهای هم جنس که با پیمانه و توزین مبادله می شوند بیع نسیه آن ها مشروط بر برابری کالاها و عدم زیاده یکی بر دیگری است .  
بیع سلف  
بیع سلف عکس بیع نسیه است و در آن قیمت کالا نقدا و قبل از تحویل جنس پرداخت می گردد تا در زمان معینی کالای مورد نظر تحویل خریدار شود و در حقیقت پیش فروش کالاهایی است که بعد تولید می شود . در بیع سلف موارد زیر باید رعایت شود :  
1-خصوصیات کیفی و کمی کالا در قرار داد ذکر شود ، از جمله رنگ ، جنس ، وزن ، متراژ ، تعداد و...  
2-زمان تحویل کالا دقیقاً تعیین گردد .  
3-تمام قیمت کالا نقداً در مجلس انعقاد قرار داد به فروشنده تحویل داده شود .  
4-زمانی را برای تحویل کالا معین کنند که به طور متعارف امکان تحویل در آن وجود داشته باشد .  
از این قرار داد بر خلاف قرار داد بیع نسیه ، تولید کنندگان بیش تر بهره می گیرند ، زیرا یکی از بهترین شیوه های تامین سرمایه تولیدی است که به جای دریافت تسهیلات ربوی ، تولید کننده می تواند بخشی از سرمایه مورد نیاز را از خریدار ، قبل از تولید کامل دریافت دارد و در واقع علاوه بر تامین سرمایه ، اطمینان کاملی به بازار فروش برای کالایش به دست آورد . از طرف دیگر بازرگانان نیز با برنامه ریزی های مناسب ، سرمایه خود را صرف خرید کالاهایی می کنند که پس از تولید از بازار فروش مناسبی برخوردار است و احتمال کمبود یا احتکار آن با این شیوه محدود می گردد .  
نوع دیگری از قرار داد بیع به نام بیع کالی به کالی نیز در فقه اسلامی مطرح شده است که از نظر شرعی ممنوع و حرام است . این قرار داد به دو صورت منعقد می گردد :  
1-کالای تولید نشده به صورت نسیه ( غیر نقد ) مبادله شود .  
2-طلبی را که هنوز زمان پرداخت آن نرسیده است در برابر بدهی که در زمان آینده باید پرداخت شود قرار دهند ( بیع دین به دین )  
هر دو صورت این قرار داد باطل است و در روایات از این قرار دادها نهی شده است .  
1-مضاربه  
مضاربه از جمله قرار دادهایی است که فقط در امور بازرگانی از آن استفاده می شود . در این قرار داد یک یا چند نفر سرمایه ای را در اختیار دیگری قرار می دهند تا او با آن به تجارت بپردازد و سود حاصل با درصدی که توافق می کنند ، بین آن ها تقسیم می شود .  
در نظام اقتصادی اسلام مضاربه یکی از بهترین راه های تامین سرمایه بازرگانی به شمار می آید و در روایات پیشوایان دینی به آن توصیه و تاکید شده است ولی برای بهره گیری مناسب از آن توجه به نکات زیر لازم است :  
1-مضاربه فقط در امور بازرگانی به کار می رود و برای فعالیت های تولیدی و صنعتی از قرار دادهای دیگر باید استفاده نمود که به آن ها اشاه خواهیم کرد .  
2-مضاربه دارای دو رکن است : صاحب سرمایه و عامل . از این رو سرمایه صاحب سرمایه باید برای سرمایه گذاری و خرید و فروش کافی باشد و عامل نیز توانایی به کارگیری آن را داشته باشد .  
3-بر اساس قرار داد مضاربه طرفین در سود حاصل با یکدیگر شریک اند ، ولی ضرر و زیان به عهده صاحب سرمایه است و عامل در صورتی که تفریطی نداشته باشد در مواجهه با زیان تنها از حق الزحمه مدت زمانی که در این زمینه فعالیت کرده است محروم می گردد .  
4-قرار داد مضاربه از زمان تحویل سرمایه به عامل شروع می شود . در فقه اسلامی پول و هر چیز دیگری که سرمایه به حساب آید می تواند به عنوان سرمایه مضاربه استفاده شود .  
5-هزینه های اجرایی عملیات بازرگانی مانند نیروی انسانی ، حمل و نقل ، مالیات ، انبارداری و .. از سرمایه برداشت می شود .  
6-مضاربه عقدی است جایز بنابراین طرفین قرار داد می توانند یک طرفه قرار داد را فسخ کنند و با فوت یک طرف قرار داد فسخ می گردد و ورثه او تعهدی نسبت به آن ندارند .  
7-سرمایه در قرار داد مضاربه به رسم امانت به عامل سپرده می شود . از این رو عامل مالک سرمایه نمی شود و به امانت و به امانت از سرمایه استفاده می کند . امانت بودن سرمایه آثار حقوقی فراوانی دارد از جمله این که سود در مضاربه – برخلاف قرض – مشروع و غیر ربوی است و از سوی دیگر ، در صورت بروز اتفاق و صدمه دیدن سرمایه ، چنانچه عامل کوتاهی نکرده باشد ضامن نیست .  
8-سود در قرار مضاربه برای صاحب سرمایه و عامل به صورت قطعی تعیین نمی شود و پس از پایان قرار داد هر کدام سهم خود را از سود ، مطابق نسبتی که قرار داد تعیین شده است ، تحویل می گیرد .  
3-جعاله  
یکی دیگر از قرار دادهای بازرگانی که در امورتولیدی و صنعتی نیز کاربرد داردجعاله است . جعاله عبارت است از متعهد شدن شخص ( حقیقی یا حقوقی ) به پرداخت دستمزد معلوم در برابر انجام دادن عملی معین . قرار داد جعاله نیز دارای دو رکن است : جاعل و عامل . جاعل کسی است که ملزم به پرداخت حق الزحمه ( جعل ) است و عامل اجرا کننده مورد قرار داد است .  
قرار داد جعاله هر چند اختصاص به امور بازرگانی ندارد و در امور بازرگانی کم تر استفاده می شود ، به جهت قابلیت های زیادی که در آن وجود دارد می تواند کاربرد زیادی در امور اقتصادی داشته باشد ، از جمله :  
1-قرار داد جعاله به دو صورت عام و خاص منعقد می شود . در همه قرار دادهای اقتصادی طرفین قرار داد کاملا معلوم و مشخص اند ولی در « جعاله عام » ممکن است عامل ، معین نباشند ، برای مثال جاعل یا کارفرما به صورت عمومی اعلام می کند : هر کس این کالا را برای من به فلان قیمت بفروشد یا وسیله نقلیه گمشده مرا پیدا کند و ... مبلغ معینی به پرداخت می گردد . پس از اعلام کارفرما هر کس خواسته او را عملی ساخت می تواند از پاداش ( جعل ) مذکور برخوردار شود .  
2-جعل ( پاداش ) می تواند به صورت قطعی شناور ، یا درصدی از سرمایه و ... تعیین شود . در قرار داد جعاله دایره وسیع تری فرا روی کارفرما و عامل باز می گردد ، زیرا عامل می تواند در سرمایه شریک شود یا درصدی از سود سرمایه را به خود اختصاص دهد ، برای مثال بر اساس جعاله صاحب سرمایه می تواند با فرد خاص یا افراد متعدد ، بر این توافق کنند که در صورت تحقق مقصود او ، عامل به مدت معینی در سود حاصل سهیم باشد . برای نمونه سرمایه ای را در اختیار عامل بگذارد تا کارخانه تولیدی تاسیس و تولیدی را سامان دهی کند و در ازای اقدامات ، عامل به مدت 10 سال 50% از سود کارخانه سهم ببرد .  
1-جعاله را از ایقاعات دانسته اند . لذا تعهد کارفرما رکن اصلی این پیمان است و طرف مقابل تعهدی نسبت به انجام کار ندارد ، ولی در صورت انجام می تواند جعل (پاداش) را درخواست کند .  
2-این قرار داد در روابط اقتصادی که میزان کار در آنها معلوم نیست کاربرد بیش تری دارد زیرا کارفرما کار مورد نظر را بدون توجه به خصوصیات و توانایی های عامل درخواست می کند و افراد با توانایی بالاتر ممکن است در زمان کم تری آن را انجام دهند ، بر خلاف قرار داد اجاره که در نیروی انسانی معمولاً ساعات مشخص و مقدار کار معینی در قرار داد ذکر می گردد .  
3-قرار داد جعاله از قراردادهای جایز است و از سوی طرفین (جاعل و عامل) قابل فسخ است ولی در صورتی که عاملی انجام عمل را به عهده بگیرد اگر رها کردن او به ضرر و زیان صاحب سرمایه (جاعل) بینجامد طبق قاعده لا ضرر باید و زیان او را جبران کند .  
4-شرکت  
یکی از اقسام شرکت ، شرکت عقدی است که عبارت است از بستن قرار داد برای به کار اندازی سرمایه مشترک در فعالیت اقتصادی .  
شرکت عقدی (قراردادی) از زمره قراردادهایی است که امور بازرگانی و تولیدی کاربرد زیادی دارد و معمولاً سرمایه گذاری های بزرگ از عهده یک نفر و با سرمایه شخصی ساخته نیست و در موقعیتی که تسهیلات ربوی نیز ممنوع و مورد پذیرش نیست یکی از راه های مناسب برای تشکیل سرمایه و سرمایه گذاری در تولید یا توزیع (بازرگانی) انعقاد قرار داد شرکت است .  
امتیازات شرکت  
1-همه شرکا در سود و زیان با یکدیگر شریک اند و بر خلاف عقد مضاربه زیان تنها متوجه صاحب سرمایه نیست .  
قرار داد شرکت جایز است و در صورت مقرون به صرفه نبودن یا احساس نیاز به سرمایه ، قابل فسخ است .  
اقسام فعالیت های اقتصادی حرام  
فعالیت های اقتصادی ممنوع به چهر دسته کلی تقسیم می شوند :  
الف)مبادله کالا و خدماتی که قرار داد اقتصادی بر روی آنها منعقد نمی گردد : موضوع قرار داد چنانچه شرایط لازم را دارا نباشد انعقاد قرار داد بر روی آن بی حاصل و گاه موجب پیگرد قانونی است . در این قسمت برخی از کالاها و خدماتی را که مبادله آنها از این جهت ممنوع شده است نام می بریم .  
1-کالاهای نجس و ناپاک که دارای منافع مثبت و حلالی نیستند مانند مشروبات الکلی و ...  
2-اشیایی بی ارزش مانند حشرات  
3-کالاهای مخل به سلامت ، مانند مواد مخدر  
4-خدمات مضر به جامعه مانند تألیف ، چاپ و انتشار کتاب های انحرافی که در جامعه تاثیر سوء می گذارند(کتب ضاله ) یا اشتغال به فعالیت های هنری غیر مشروع مانند موسیقی و غنای ممنوع یا استفاده از آلات لهو و لعب و به طور کلی کارهای فکری و هنری انحرافزا که هر گونه کسب در آمد از این طرق ممنوع و حرام است .  
ب) فعالیت های اقتصادی غیر قانونی و ناصحیح : انعقاد پاره ای از قرار دادها هر چند از نظر موضوع قرار داد بدون اشکال است ولی از آن رو که موجب بهره برداری های ناصحیحی می گردد در فقه اسلامی ممنوع و حرام قلمداد شده . از جمله این قرار دادها ، فروش سلاح به دشمنان و مهاجمان به کشور اسلامی است . در این قسم از قرار داد آنچه باعث حرمت و ممنوعیت انعقاد قرار داد شده است موضوع قرار داد ، یعنی اسلحه و تجهیزات جنگی نیست ، زیرا این تجهیزات را به سایر مسلمین یا به غیر مسلمانان در غیر زمان جنگ می توان فروخت ، ولی از آن جهت که فروش این ها نوعی کمک به دشمن و معاونت به ظلم به حساب می آید تحریم شده است . هم چنین انعقاد قرار داد و فروش مواد اولیه به تولید کنندگانی که فروشنده می داند با آن ها کالاهای ممنوع تولید می کنند و به وسیله آن ها خریداران و سایر استفاده کنندگان مرتکب جرم ، خلاف و گناه می شوند ، معاونت و همیاری بر گناه تلقی می گردد و در آمد حاصل از آن ها جزء مکاسب محرمه محسوب می شود .  
ج) قرار داد ارائه خدمات نامشروع : در کتب اقتصادی اسلام بین اقتصاد و اخلاق جمع شده است و احکام و مقررات اقتصادی ، اخلاقی نیز هستند از این رو اهدافی که مکتب اقتصادی در صدد تحقق آن هاست با توجه به ارزش های اخلاقی قابل تحقق اند . در مکتب اقتصادی اسلام برای تحقق عدالت اجتماعی و امنیت اقتصادی برخی از شیوه های رایج یا آزاد در سایر نظام های اقتصادی ممنوع و هر گونه کسب درآمد از این طریق حرام دانسته شده است . از این جمله است همیاری با ستمگران با رائه خدماتی چون رانندگی ، نویسندگی ، کار پردازی ، مقاطعه کاری که به دلیل تقویت دشمن و همیاری آن ها ممنوع است .  
د) شیوه های نامشروع کسب درآمد : در مکتب اقتصادی اسلام بعضی از شیوه های کسب درآمد منع شده است ، از جمله قمار بازی ، رشوه خواری و معاملات ربوی . این دسته از مکاسب محرمه ممکن است در بسیاری از قراردادهای اقتصادی بروز کند .  
اصول کلی و پاره ای از دستور العمل های اجرایی برای انجام دادن تجارت در متون فقهی

فرهنگ کار از دیدگاه اسلام

چکیده   
با توجه به نقش کار و عمل در اعتلای حیات اقتصادی و اجتماعی فرهنگی جامعه، کوشش برای ارتقای فرهنگ کار و زدودن عوامل مزاحم و باز‌دارنده یک ضرورت اعتقادی ملی است. فرهنگ کار می‌تواند زمینه مناسب برای سخت‌کوشی و خلاقیت و ابتکارات، نوآوری‌ها و احساس تعهد و مسؤلیت‌پذیری و وجدان کاری، انضباط اجتماعی و اخلاق را در جامعه عظیم کار کشور فراهم سازد. در فرهنگ اسلامی کار و تلاش مانند مجاهدت در راه خدا، ارزشمند و مقدس شمرده شده است. این مقاله در مورد اهمیت کار و کار صالح در اسلام، از دیدگاه قرآن، نهج‌البلاغه و از دیدگاه پیامبر(ص) و علی(ع) مطالبی را بیان کرده است که این خود اهمیت و ارزش کار را در این موارد می‌رساند. کار موجب کمال و تکامل وجودی انسان و عقل، عزت، مردانگی، بزرگی، سعادت، و خوشبختی و رحمت و... است. فضایل کار بی‌شمار و بی‌اندازه است که سفارش‌های گوناگونی برای تحقق امر و کوشش و ترویج این امر و ریشه‌دار کردن آن در اسلام و کتب اسلامی و... آمده است.   
  
مقدمه  
با استمداد از نام و یاد مبارک و کلام هدایت‌گر امیرمؤمنان و مرد نامتناهی زمان علی(ع) صفحه می‌گشاییم.[1] هنگامی که خداوند بخواهد به بنده‌ای دوستی و محبت کند، زیبایی و دل‌پذیری بندگی و عبادت را درونش می‌نشاند. و: «بهترین حالت و جلوه بندگی عبادت، فکر کردن است.» و: «تفکر و اندیشیدن به خوبی‌ها، انسان را به انجام دادن و عمل کردن به آنها می‌کشاند.» و نیز: «به وسیله فکر و اندیشه، روش‌ها و رویه‌کاری بهبود می‌یابد.» و در نتیجه: «ثمره و میوه فکر، سلامت ـ کارـ است.» «سلامت کار نشانی از عبودیت دل‌پذیر است که اگر توفیقش نصیب شود، نشانی از شعاع لطف الهی به بنده‌اش می‌باشد.»   
  
معانی کار در فرهنگ اسلامی:[2]   
«کار در لغت فارسی در معانی مختلف استعمال شده است.   
1 ـ به معنی شغل، عمل، پیشه بکار رفته است.   
2 ـ رفتار و کردار   
3 ـ آنچه در عالم خارج تحقق می‌یابد   
4ـ ممارست، اشتغال، تمرین   
5ـ حادثه   
6ـ صنعت و هنر   
7ـ رنج و زحمت   
8ـ بنا و ساختمان   
9ـ حاجت احتیاج   
10 ـ وسیله معیشت»   
«تمام این معنی و مفاهیم در معنای کار استعمال شده است و این امر نشان‌دهنده گستردگی و غنای بالای این کلمه در فرهنگ فارس می‌باشد.»   
  
کار عین عبادت است: [3]   
با نگرش به تاریخ و ادیان و سیره انبیاء الهی و معصومین، به این واقعیت مهم می‌رسیم که در طول قرون متمادی، هادیان بشر علاوه بر نقش بزرگ رسالت و هدایت انبیاء بشر، در کنار آن مسؤلیت سنگین، به امر اشتغال ـ کارگری ـ مشغول بودند تا بتوانند معیشت و اقتصاد خانواده و جامعه را به پویایی و کمال برسانند در این بین، علاوه بر انبیاء گذشته، فرستاده آخر خدا از این امر مستثنی نبوده و تاریخ گواه این مدعاست. وقتی سیره، علمی در آثار بر جای مانده از کار و زندگی حضرت علی(ع) را مرور می‌کنیم در گوشه سرزمین وحی(حجاز) و به خصوص مدینه منوره، یادبودهای کار دستی و تلاش عملی و پایدار امیر‌المؤمنان(ع) را می‌یابیم که با تمام دشمنی‌های آشکار حکام ستمگر در محو نام و تخریب آثار و نابودی به عمل آورده‌اند. باز در آن سرزمین مقدس و شهر و حومه مدینه، آثاری از بئر علی(چاه علی) عین علی(چشمه علی) و نخلستان‌های خرمایی باقی است، که هر یک به نمونه خود یادبودی عزیز و مقدس از ایثار و کار طاقت‌فرسای آن مظلوم تاریخ است و برای پیرامون ایشان درسی است از چگونگی ارزش کار و تقدس آن. خداوند سبحان کار می‌کند: آیا خداوند سبحان کار میکند؟ باید گفت: آری، خدا کار می‌کند، ان ‌الله یفعل ما یرید. فعل خدا، خلق عالم خلقت و موجودات است و همه عالم هستی، از کار خداست، و انسان در این امتیاز بسیار بزرگ، یعنی خلق و خلقت با خدای عظیم قرین است. انسان فعال و کارگر، در خلق اثر و هنر و... در حقیقت به رسالت خود که در حقیقت امر خداست عمل کرده است.   
  
کار و عمل صالح کدام است؟   
کلمات عمل صالح یا جمله‌های عملو الصالحات، به صورت مکرر و مطلق در قرآن استفاده شده است و باید گفت حتماً در این اطلاق، تعمدی بوده است. اگر بخواهیم در عرف معمولی برای عمل یا کار تعریف قایل شویم، باید بگوییم: هر چیزی که مستلزم صرف زحمت و جیب مقصدی باشد کار و عمل است. کارگری که در شهرداری مشغول است یا کارگری که در کارخانه کوچک یا بزرگ و یا هر مجموعه کارگری کار می‌کند، شب زنده‌داری مادران برای فرزندان جز اعمال صالح به حساب می‌آیند. «و بشر الذین و امنوا و عملوا الصالحات ان لهم جنات تجری من تحتها‌ الانهار...» به کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای صالح می‌کنند، مژده بده که برای آنها باغ‌هایی است که در کف آن جویبارها جاری است. «تلک الجنه التی اورثتتموها بما کنتم تعلمون» و آن بهشتی است که آنرا به وسیله کارهایی که کرده‌اید، وارث شده‌اید»(زخرف آیه 72) و آیات فراوانی دیگر از جمله آیات سوره نساء 123، مریم 61، سجده 91، بقره 97، طه 123، بنی‌اسرائیل 9 و کهف 110، دارای توضیحاتی در این‌باره(کار و کار صالح) دارند» نا‌برده رنج گنج میسر نمی‌شود مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد. کار و کارگر از نظر پیامبراکرم(ص): «اذا عمل احدکم عملا فلیتقنه» هر کسی که کار می‌کند باید آنرا خوب انجام دهد.[4] «اذا کان یوم ‌القیامه ناذی مناد من عمل عملا لغیر الله فلیتطلب ثوابه ممن عمله له»[5] وقتی روز رستاخیز در‌آید. منادی بانگ می‌زند که هر کس کاری برای غیرخدا انجام داده پاداش خود را از آن کس که برای او کار کرده گیرد» «ان احب عبادالله من حبب الیه المعروف حبب الیه فعاله» «محبوبترین بندگان خدا نزد وی»[6] کسی است که کار نیک را محبوب او ساخته و میل انجام آن را در دلش انداخته است. «ان الله تعالی یحب اذا عمل احدکم عملا ان یتقنه» «خداوند دوست دارد که وقتی یکی از شما کاری می‌کنید آن را کامل کنید»[7] مان قیل العمل مع العلم کثیر و کثیر العمل مع الجهل قلیل» کار اندک که با بصیرت و دانش انجام گیرد، بسیار است و کار بسیار که با نادانی و جهل صورت‌ پذیرد اندک است.»[8] «خدالامر بالتدبیر» «کار را با تدبیر بنگر».[9] «کل معروف صدقه» «هر کار نیکی صدقه است».[10] انجام کار باعث آمرزش گناه است: ... من یومن بالله و یعمل صالحا یکفرعنه سیاته و یدخله جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها ابدا ذلک الفوز العظیم».(تغابن آیه 9) «هرکس در دنیا به خدا ایمان بیاورد و کار صحیح و سالم و شایسته کند، خداوند گناهشان را بپوشاند و در بهشت‌هایی که در آن نهرها جاری است داخل کند و در بهشت جاودان متنغم باشد و این همان کامیابی بزرگ است.» پیامبراکرم(ص) فرمود: «منزه‌ترین کارها، کار و تلاش با دست و محصول دسترنج است.»[11] قال رسول‌الله(ص): «العباده سبعون جز افشلها اطلب الحلال.»[12] نبی‌اکرم‌اسلام(ص) می‌فرماید: «عبادت هفتاد جز دارد. بهترین جز آن طلب رزق حلال است.»[13]   
  
کار و عبادت:[14]   
در بینش اسلامی میزان کار و تلاش از آنچنان قداست و ارزشی برخوردار است که هم‌ ردیف میزان جهاد و مبارزه با دشمن معرفی گردیده است. چنانکه نبی‌‌مکرم‌اسلام(ص) کار و کوشش را همانند جهاد در راه خدا، مقدس دانسته و کارگر را تشبیه به مجاهد فی سبیل‌الله می‌نماید و همان اجر و پاداش را برای او متذکر می‌گردد. آنچه از مبانی و معارف تعالی‌بخش اسلامی در این مورد استنباط می‌گردد اینست که: آیین مقدس اسلام کار مفید و سازنده را در چهار‌چوب معیارهای ارزشی و اعتقادی خود عبادت تلقی نمود. و رشد تعالی انسان را تنها در سایه کار و کوشش می‌داند. در دین مبین اسلام نیل به مدارج عالیه کمال، و راه رسیدن به مراتب پیشرفت، صرفاً در سایه کار و تلاش آگاهانه براساس معیارهای الهی بوده، و به همین جهت اسلام با عبادت تلقی کردن کار و کوشش، انسان‌ها را توصیه به رعایت آداب و شرایط عبادت در انجام کارهای مختلف(مثل قصد قربت و...) نموده است.   
  
کار و تلاش از دیدگاه قرآن کریم:[15]  
در قرآن کریم کلمات زیر بیانگر کار و تلاش می‌باشد:   
1ـ عمل:   
یعنی کار، کردار، فعل این کلمه در قرآن 366 مورد آمده است.   
  
2ـ کسب:   
روزی جستن، حاصل کردن، شغل، پیشه این کلمات در قرآن 66 مرتبه آمده است.   
  
3ـ سعی:   
یعنی کوشیدن، کار کردن، عمل کردن. این کلمه نیز 30 با در قرآن ذکر شده است.   
  
4ـ جهد:   
یعنی کوشیدن، رنج بردن، سعی، تلاش، این کلمات با مشتقات آن 41 مورد آمده است.   
  
5ـ فعل انجام دادن:  
کار کردن، عمل، کار، کردار این کلمات نیز در قرآن 107 مورد آمده است.   
  
6ـ شغل:   
یعنی کار و پیشه و حرفه این کلمه با مشتقات آن نیز 2 مورد بیان شده است.   
  
این کلمات در قرآن در مفهوم عام آن «کار» است که خود از اهمیت خاصی برخوردار است و وقتی کار و کوشش ارزش پیدا می‌کند که توأم با ایمان باشد. از آیات مختلف قرآن چنین می‌توان گرفت که کارگر به معنای عام به کسانی اطلاق می‌شود که با ایمان و اعتقاد از فکر و اعضاء و جوارح خود برای انجام هر کاری کمک می‌گیرند. به همین سبب وقتی انسان مومن منشاء اثر و فاعل کار می‌شود ضروری است با قصد قربت و در جهت رضایت حضرت حق‌تعالی گام بردارد و در چنین شرایطی است که کار به عنوان عبادت تلقی می‌شود. در فرهنگ دینی ما به موضوع کار و ارزش آن، عنایات خاصی شده. اسلام کار را جان‌مایه حیات آدمی، دانسته و آن را سرمایه سعادت دنیا و آخرت بشر می‌شمرد. کار موجب عزت و شرف انسان‌ها است و یقیناً حیات هر جامعه مرهون کار، کوشش و تلاش است. اسلام سعادت و سلامت جامعه، و رشد و ترقی آن را مرهون کار دانسته و بقاء و دوام خانواده را نیز منوط به آن می‌داند و انسان‌ها را در هر موقعیتی باشند توصیه به کار و تلاش نموده و ارزش آن را مترادف با عبادت قلمداد می‌کند. «در قرآن کریم آیات فراوانی است که انسان را تشویق و توصیه بر طلب روزی و رزق حلال می‌نماید در سوره مبارکه جمعه می‌فرماید: فاذا قضیت الصلوه فانتشروا فی‌الارض و ابتغوا من فضل‌الله و اذکروا‌الله کثیرا العلکم تفلحون. پس از آنگاه که نماز پایان یافت و آنرا بجا آورید، باز در پی کسب و کار خود روی زمین منتشر شوید و از فضل و کرم خدا روزی طلبید و یاد خدا بسیار کنید تا مگر رستگار و سعادتمند گردید. از این آیه نهایتا نتیجه‌گیری می‌شود که برای کسب روزی بعد از اقامه نماز لازم نیست انسان تا نماز بعدی سر سجاده بنشیند و به دنبال معاش خود نرود.   
  
خطاب خداوند به حضرت داوود(ع) در مورد ارزش کار:[16] در تاریخ آمده است که خداوند متعال به حضرت داوود(ع) وحی فرمودند «انک عبد صالح لولا انک تاکل من بیت المال» تو بنده بسیار خوبی هستی، اگر از بیت‌المال ارتزاق نمی‌کردی(کنایه از اینکه روزی از بیت‌المال تنها عیب و نقص توست). بعد از این وحی، حضرت داوود(ع) به گریه افتاد عرض کرد: پروردگارا چه کنم که این نقص مرتفع شود. خداوند متعال زره‌سازی را به او تعلیم داد و پس از آن حضرت داوود(ع) با ساخت زره و با بهره‌گیری از دست‌رنج خود ارتزاق می‌نمود، که علاوه بر کار و تلاش آن حضرت توانست منشاء فواید اجتماعی نیز گردد. او موفق شد با ساخت زره، ارتش را مقابل دشمنان مجهز و مسلح نماید. در‌واقع از احادیث و روایات متعدد می‌توان استفاده کرد که کارگری سیره انبیاء و ائمه(ع) بوده است. در روایتی از امام هفتم(ع) نقل شده است که می‌فرمود: رسول‌الله(ص) و امیرالمؤمنین(ع) و ابائی کلهم کانوا قد عملوا با یدیهم و هومن عمل‌النبیین و المرسلین و الوصیا و الصالحین» پیامبرخدا(ص) و امیرالمؤمنین(ع) و پدران بزرگوارم کسانی بودند که با دست‌های خود کار می‌کردند و کار و کارگری سیره انبیاء و صالحان بوده است. روایت شده است که: دو نفر از اصحاب رسول‌ خدا(ص) در حالیکه یکی از برادران خود را بر دوش می‌کشید بر رسول(ص) وارد شدند حضرت حال آن شخص را پرسید، عرض کردند: از هیچ نماز خارج نمی‌شود مگر اینکه وارد نماز دیگر شود و هیچ روزه‌ای افطار نمی‌کند مگر اینکه روز دیگرش را روزه می‌گیرد. اکنون حالش همین‌طور است که مشاهده می‌کنید. حضرت فرمود: پس چه کسی شترش را می‌چرخاند و چه کسی برای اداره خانواده‌اش کار و تلاش می‌کند؟ عرض می‌کردند: ما متحمل کارهای او هستیم حضرت فرمود: شما از او برتر هستید.[17]  
   
روزی رسول‌اکرم(ص) با اصحاب نشسته بودند، جوان توانا و نیرومندی را دید که اول صبح به کار و تلاش مشغول شده است. کسانی که محضر آن حضرت بودند گفتند: این جوان شایسته مدح و تمجید بود، اگر، جوانی و نیرومندی خود را در راه خدا به کار می‌انداخت، رسول‌اکرم(ص) می‌فرماید: این سخن را نگویید اگر این جوان برای معاش خود کار و تلاش می‌کند که در زندگی محتاج دیگران نباشد و از مردم بی‌نیاز گردد، او با این عمل در راه خدا قدم بر‌می‌دارد. همچنین اگر کاری می‌کند به نفع پدر و مادر و ضعیف و یا کودکان ناتوان و قصد دارد با این کار زندگی آنان را تأمین کند و از مردم بی‌نیازشان سازد باز هم راه خدا خواهد بود. در حدیث شریف: الکاد علی عیاله کالمجاهد فی سبیل‌الله: کسی که تلاش کند در راه بدست‌آوردن روزی حلال برای خانواده‌اش همچون مجاهد در راه خداست. پس انسانی که سخت‌کوش است برای امرار ‌معاش افراد تحت تکفل خود مثل آن رزمنده‌ای است که در راه خدا مبارزه می‌کند و عرق چنین کارگری همچون قطرات خون شهداء دارای ارزش است. زیرا که اگر یک رزمنده با جهاد خود وطن را گزند دشمن و سیطره بیگانگان حفظ می‌کند و این هدف بزرگواری او به جهاد تعبیر می‌گردد، همین‌طور انسانی که با تلاش و کار بی‌وقفه خود باری از مشکلات جامعه مسلمین را به دوش می‌کشد و با کار و سازندگی روزنه‌های نفوذ تسلط بیگانگان را سد نموده و جامعه اسلامی را از ذلت و تحقیر و مشکلات عدیده به اوج عزت و کرامت می‌سازند، در ‌واقع کار او همان جهاد مجاهد فی سبیل‌الله می‌باشد و او هم یک رزمنده الهی است و لذا اجر او مثل رزمنده در میادین جنگ است و عرق بدن او همچون خون شهید، مقدس خواهد بود.   
  
در حدیثی جالب از امام صادق(ع)[18] که انسان را متوجه می‌سازد که می‌تواند، با داشتن یک زندگی کاملاً عادی ولی سالم و پاک اجر و ثواب صدقه ‌دهنده همان‌طور که گفته شد مجاهد فی سبیل‌الله را داشته باشد. امام صادق(ع) می‌فرمایند: جدم امام سجاد(ع) صبح که می‌شد از منزل خارج می‌شد برای طلب رزق و وسیله زندگی. کسی به حضرت گفت کجا می‌روی؟ حضرت فرمودند: می‌روم که صدقه به خانواده خود دهم آن شخص فرمود: هر کس برود، دنبال کسب و کار برای طلب مال حلال و رزق حلال در جهت عیال و خانواده خود، این کار او به مصداق صدقه است از جانب خدای سبحان و مگر نه اینکه صدقه عبادت بزرگ اسلامی است. در این مکتب کار کردن نه تنها دنیا‌طلبی نیست بلکه از مصادیق صدقه است یعنی هر لحظه یک انسان تلاشگر در حال عبادت است در روایتی دیگر از امام باقر(ع)[19] چنین می‌فرماید: ممن طلب استغفافاً(عن الناس و سیعیا علی اهله و تعطفاً علی جاره لقی الله عزوجل یوم القیامه و وجهه مثل القمر لیله البدر: ترجمه: «کسی که طلب کند(یعنی دنبال کسب و کار و حلال برود) و نیت او در این کسب و کار، آنست که نه تنها خود و خانواده‌اش از مردم بی‌نیاز باشد بلکه مقداری هم به همسایگان خود توجه کند و کمک کند این فرد روز قیامت خدای خود را در حالی ملاقات می‌کند که دارای صورتی نورانی مثل ماه شب چهارده است. در اینجا امام می‌فرمایند: انسان تلاشگر و کاسب رزق حلال دارای صورت نورانی است معلوم می‌شود کار کردن از راه حلال و صرف کردن در جهت خانواده و اجتماع موجب نور امنیت قلب و جان انسان است. پس کارگران جامعه اسلامی در ‌واقع بهترین کشتیبان نور امنیت جان و قلبشان است. در روایتی از حضرت امام صادق(ع)[20] نقل شده است: به معلی: قال: رانی ابوعبدالله علیه السلام و قد تاخرت عن السوق فقال: اغد الی غرک ترجمه: معلی که ظاهراً شخص کاسبی بوده می‌گوید: حضرت امام صادق(ع) مرا دید، در حالیکه من دیر به محل کار می‌رفتم، حضرت فرمودند: صبح اول وقت برو سراغ عزتت یعنی کار و کسب که موجب بی‌نیازی انسان است از غیر خدا، مایه عزت است و نباید در آن سهل‌انگاری نمود.   
  
روایتی نقل از عبدالاعلی:[21] در یکی از روزهای بسیار گرم تابستان در یکی از راه‌های مدینه با حضرت صادق(ع) برخورد کردم، به حضرت که حتماً از کار سخت در مزرعه با حالت خسته و عرق‌ریزان برمی‌گشتند، عرض کردم: من فدای شما گردم موقعیت شما نزد خدا معلوم است و نزدیکی و فرزند رسول بودن شما روشن است. آنگاه به سختی کار می‌کنید در چنین روز گرم و سوزان؟ حضرت در جواب فرمودند: کار می‌کنم که تا از افرادی مثل تو بی‌نیاز باشم. این بی‌نیازی از غیر‌خدا، عزت است. پیامبراکرم(ص) فرمودند: من اکل من کره یکون یوم القیامه فی مداد الانبیا و یاخذ ثواب الانبیا «هر کس از زحمت و دسترس خویش، مخارج زندگی را تأمین نماید، روز قیامت در صف پیامبران قرار گرفته و از عنایاتی که انبیا را شامل می‌گردد او نیز بهره‌مند می‌شود.»  در روایتی از نبی‌مکرم‌اسلام(ص) آمده است که:[22] ان رسول‌الله(ص) لما اقبل من غزوه تبوک استقبله لقد الانصاری فضافحه النبی(ص) ...، آنگاه که پیامبر(ص) از جنگ تبوک باز‌می‌گشت «سعد انصاری» به استقبال آن حضرت رفت، پیامبراکرم(ص) با او مصافحه کرد. دست زبر و خشن سعد در دست پیامبر(ص) قرار گرفت. فرمود: چه عاملی باعث زبری دست تو شده است؟ فرمود: یا رسول‌الله(ص) من با ریسمان و بیل کار می‌کنم تا اینکه مخارج خانواده‌ام را تأمین نمایم. رسول‌خدا(ص) دست او را بوسید و فرمود «این دستی است که آتش به آن نمی‌رسد».   
  
اخلاص در کار   
امام علی(ع): «اخلصوا اعمالکم تسعدوا[23] علی(ع) فرمود: اعمال خود را خالص کنید تا سعادتمند شوید». آنچه از روایات و اخبار بر‌می‌آید، اینست که اخلاص اساس عبادت و روح عبودیت و بندگی است. ارزش عمل به خلوص نیّت است. اعمال که انگیزه‌های غیر‌الهی داشته باشد، خواه ریا‌کارانه باشد یا به خاطر هوای نفس و یا تشکر و قدر‌دانی مردم، یا پاداش مادی، هیچ‌گونه ارزش معنوی و مفهوم الهی ندارد. در حدیث مشهوری پیامبراکرم(ص) می‌فرماید:[24] «نیه المومن خیر من عمله و نیه الکافر شر من عمله و کل عامل یعمل علی لیته». نیت مؤمن از عمل او بهتر و نیت کافر از عمل او بدتر است و هر کس طبق نیتش کار می‌کند، پس نیت صحیح می‌دهد و هنگامی که اخلاص از میان رفته عمل بیشتر جنبه ظاهری پیدا می‌کند، به منافع شخصی گرایش می‌یابد و عمق و اصالت و جهت صحیح خود را از دست می‌دهد. اخلاص در لغت از خلص گرفته شده به معنای مصفا و پاکیزه شدن از آلودگی‌ها و رهایی از قیدها.[25] در حدیثی از امام ششم آمده است: «والعمل الخالص الذی لا تریدان یحمدک علیه احد الا الله عزوجل» عمل خالص آن است که در آن جز از خداوند عزوجل انتظار ستایش نداشته باشی. خدا‌شناس و موحد راستین هرگز ذکر و فکر عملش را به غیر از رضای دوست انجام نمی‌دهد و خشنود است به آنچه که خدا برایش می‌خواهد.  
  
اخلاص در قرآن   
(قرآن مجید در این‌باره می‌فرماید: «فمن کان یرجوا لقا ربه فلیعمل عملاً صالحاً و لا یشرک بعباده ربه احداً»(سوره کهف آیه 110) هرکس امید لقای پروردگارش را دارد باید عمل صالح انجام دهد و کسی را در عبادت پروردگارش، شریک نکند. در شأن نزول این آیه آمده است: شخصی خدمت حضرت‌ پیامبر(ص) آمد و گفت: یا رسول‌الله(ص)، من در راه خدا انفاق می‌کنم و صله‌رحم بجا می‌آورم و این اعمال را فقط بخاطر خدا انجام می‌دهم، اما هنگامیکه مردم از این اعمال سخن می‌گویند و مرا ستایش می‌کنند، مسرور و خوشحال می‌شوم، این اعمال من چگونه است؟ پیامبر(ص) سکوت کرد و سخنی نگفت تا اینکه این آیه «فمن کان یرجوا ... نازل شد».)  
  
رعایت مراحل اخلاص[26]   
اخلاص در 3 مرحله لازم است و رعایت آن ضروری است: قبل از عمل، هنگام عمل، و بعد از عمل. قبل از عمل، تصمیم به انجام هر کاری داریم، باید ذهن را از هر نوع شائبه، ریا و اطاعت غیرخدا تخلیه کنیم، اصولاً باید دید، محرک اصلی برای اقدام به کار مورد نظر، چه چیز است، آیا انگیزه‌های شیطانی و حالات زشت نفسانی است؟ یا واقعاً فقط جلب رضایت خدا و بر حسب وظیفه شرعی و قربةالی‌الله دست به کار زده است و در هنگام عمل نیز دقت لازم را باید نمود زیرا چه بسا اشخاص مدخل و آغاز کارشان نورانی است و با نیتی پاک شروع به کار می‌کنند ولی در هنگام عمل، بعضی از اغراض نفسانی آنها را به دام انداخته و چنان گرفتار وسواس شیطانی می‌شوند که کاملاً در جهت انحراف قرار می‌گیرند. درست همان موقع که مشغول کار مقدس هستند فکر می‌کنند که ما این کار را کامل و جامع انجام می‌دهیم تا شاهدان و ناظران را به سوی خود جلب کنیم و از رفتار ما خوششان بیاید. اما بعد از عمل نیز باید مواظبت کرد که شیطان آن را ضایع نکند. بیچاره بعضی از مردم که با زحمت فراوان نیت را خالص می‌کنند و عمل را نیز به سلامت و بدون ریا به پایان می‌رسانند ولی بعد از اتمام آن، پی‌در‌پی در مقام شرح و بیان آن بر‌می‌آیند و از مردم متوقع تکریم و تحسین و پاداش هستند. بی‌شک این مرحله از دو مرحله قبل سخت‌تر است، همانطور که در بیان حضرت امام صادق(ع) آمده است: «الا بقا علی العمل حتی یخلص اشد من العمل». «نگهداری کار خیر از خود کار خیر سخت‌تر است». راوی گفت: نگهداری از عمل چیست؟ فرمود: مردی صله‌ای می‌کند و خرجی در راه خدای یگانه می‌نماید و ثواب کار خیر در نهانی برای او نوشته می‌شود، پس آن را یاد‌آوری می‌کند و اظهار می‌کند و از دفتر کار خیر نهانی محو می‌شود و در دفتر کار خیر عیانی نوشته می‌شود و باز آن یاد‌آوری می‌کند و اظهار می‌دارد و یک عمل ریا و خود‌نمایی برای او نوشته می‌شود...   
  
اسباب و عوامل اخلاص:   
در این مبحث از کلمات قصار المؤمنین(ع) استفاده کنیم:   
1ـ «سبب الاخلاص ألیقین» یقین منشاء اخلاص است.   
2ـ «الاخلاص ثمره یقین» اخلاص میوه یقین است.   
3 ـ «علی‌ قدر قوه الدین یکون خلوص النیه» خلوص انسان به اندازه قوت دین اوست.   
4 ـ «ثمره العلم اخلاص العمل» اخلاص میوه علم و معرفت است.   
5 ـ «اول الاخلاص الیاس مما فی ایدی الناس» سرآغاز اخلاص ناامیدی از ما، سوی‌ الله است.   
6 ـ «قلل الامال تخلص لک الاعمال» آرزوهایت را کم کن تا اعمالت خالص شود.  
7 ـ «اخلاص ثمره العباده» اخلاص میوه عبادت است.   
نتیجه آنکه اخلاص محصول، یقین، قدرت ایمان، علم، قطع امید از مردم، کم کردن آرزوها و عبادت پروردگار است.   
  
آثار و فواید اخلاص در کار:   
1ـ بصیرت و نورانیت دل و عمل خالص تا آن حد در اسلام مورد اهمیت است که در حدیثی پیامبراسلام(ص) می‌فرمایند: کسی که چهل روز اعمال خود را خالصانه انجام دهد خداوند چشمه‌ی حکمت و دانش را از قلبش بر زبانش می‌گشاید.[29]   
2ـ حکمت و معرفت: حکمت و معرفت نیز از آثار و فواید اخلاص است که در روایت فوق آمده است.   
3ـ خضوع تمام به سوی الله در برابر انسان مخلص.   
4ـ کفایت امر و درمانده نشدن در کارها. قال الله عزوجل: «اطلع علی قلب عندنا علم منه حب الاخلاص لطاعتی و توجهی و ابتغا مرضاتی الا تولیت تقویمه و سیاسته».[30]   
5ـ خداوند عزوجل فرمود: «اگر بنده خود را دوستدار اخلاص و خدا‌جو یابم اداره امور او را شخصاً به عهده می‌گیرم «کار او را به دیگران واگذار نمی‌کنم».   
6 ـ سعادت و کامیابی: امیر‌المؤمنین(ع) می‌فرماید:[31] اخلصوا اعمالکم تسعدوا. «اعمال خود را خالص کنید تا سعادتمند شوید».   
7 ـ بالا رفتن اعمال و قبولی آن:[32] پیامبراکرم(ص) می‌فرماید: ای مردم اعمالتان را برای خدا متعال خالص کنید. زیرا خدا عملی را می‌پذیرد که فقط برای او باشد.  
  
اهمیت کار و ارزش کارگر در اسلام:[33]   
بقای جهان بشریت تمام ملت‌ها و تکامل مادی و معنوی انسان‌ها، همیشه در پرتو کار و کوشش بوده زیرا همه می‌دانیم که بشر در هر زمانی بواسطه کار و فعالیت نیازمندی‌های خود را تأمین کرده و به زندگی خود نشاط بخشیده است. جامعه بشریت در اثر تلاش و کار، غذای خود را از علف بیابان به بهترین خوراکی‌های لذیذ رسانیده و چراغ خود را از شعله‌های آتش و شمع به برق و مرکب خود را از حیوان به هواپیما و منزلشان را از غارها به کاخ‌های آسمان خراش و لباس‌های خود را از لباس‌های خشن و به قواره در عالی‌ترین و زیباترین لباس‌های مد و غیره تبدیل نموده است. و بالاخره انسان با کار و تلاش توانسته اکثر مشکلات فردی، اجتماعی و معنوی خود را از بین برده و بسیاری از نابسامانی‌ها و دردها و محرومیت‌ها، گرفتاری‌های خود را برطرف نموده و رشد فکری و روحی، علمی و اخلاقی خود را بدست آورد. تردیدی نیست که اکثر بدبختی‌های مادی و معنوی جامعه و تمام ذلت‌ها، فقرها، محرومیت‌ها و مفاسد فردی و اجتماعی مردم به واسطه بیکاری و تنبلی و هوسرانی است. چنانکه بیشتر تجاوزات به مال، جان و نوامیس جامعه و افتادن در دامن ستمگران و گرفتاری به اعتیادهای خطرناک و آلودگی به زشتی‌ها و گناهان در اثر سستی و بیکاری و تن‌پروری بوده است. و از آنجا که دین مقدس اسلام تنها دین کامل و جاودانه و صحیح الهی است که برای سعادت دنیا و آخرت مردم و تکامل مادی و معنوی آنان نازل گردیده و در تمام شئون فردی و اجتماعی انسان‌ها و از جمله در مورد کار و تلاش و کوشش در جلوگیری از بیکاری و سستی عالی‌ترین قانون و بهترین برنامه را دارد. ارزش و اهمیت واقعی که اسلام 14 قرن پیش با عناوین مختلف و بیانات گوناگون برای کار و کارگر بیان کرده هنوز بشر به آن پی نبرده است لذا به چند قسمت از آنها اشاره کرده و نمونه‌هایی از روایات اسلامی را در مورد آنها نقل می‌نماییم.   
  
1. کار بالاترین عبادت:[34]   
اسلام کار و طلب روزی حلال را بالاترین عبادت، معرفی نموده است چنانکه پیامبراکرم(ص) می‌فرماید: «العباده سبعون جزاً افضلها طلب الحلال». عبادت 7 جز دارد برترین آنها کار و کوشش برای بدست آوردن روزی حلال است.   
  
2. کار بالاترین جهاد:[35]   
با آنکه جهاد و فداکاری در اسلام ارزش ویژه‌ای دارد ولی کار مثل آن و بلکه از آن برتر معرفی شده است. چنانکه امام صادق(ع) می‌فرمایند: «الکار لعیاله کالمجاهد فی سبیل‌الله». آنکس که برای تأمین احتیاجات عایله‌اش تلاش کند مثل آنست که در راه خدا جهاد می‌کند. و امام رضا(ع) فرمود: آنکس که(با کار و تلاش) از فضل و برکت خداوند طب روزی می‌کند که نیازهای عایله‌اش را فراهم نماید از جهاد‌کننده در راه خدا پاداشش بیشتر است.   
  
3. کار موجب عزت و بزرگی:[36]   
معلی ‌بن خنیس می‌گوید: امام صادق(ع) مرا دید که دیر به بازار در محل کار خود می‌روم فرمود: اعذ الی عزک. «صبح زود بطرف عزت و بزرگی خود بیرون برو». برخلاف کسانی که کار را برای خود ننگ می‌دانند یا به کارگر به چشم حقارت نگاه می‌کنند، رئیس مذهب شیعه، کار را سبب و عزت کارگر می‌داند.   
  
4. کار، ایمان و مردانگی:[37]   
امام صادق(ع) فرمود: اصلاح المال من الایمان. «کار و تلاش کردن» اصلاح و تربیت و تنظیم مال از ایمان است. و در جای دیگر فرمود: بر تو باد که مال خود را اصلاح نمایی، چه این از بزرگواری است و موجب بی‌نیازی از افراد پست می‌گردد.   
  
5. کار و تکامل عقل:[38]  
امام صادق(ع) فرمود: التجاره تزید فی العقل. «تجارت عقل را زیاد میکند.»   
  
6. کار کردن اطاعت از خداست:[39]   
محمد‌ بن منکدر می‌گوید: امام باقر(ع) را در روز گرمی می‌دیدم که کار می‌کرد و عرق از او می‌ریخت، با خود گفتم: سبحان‌الله. پیرمردی از بزرگان قریش با این حالت و در این وقت گرما در طلب دنیاست، باید او را نصیحت کنم، خدمتش رفتم و بعد از سلام گفتم: خدا شما را اصلاح کند. بزرگی از بزرگان قریش با این حال و در این وقت در طلب دنیا(باید) باشد؟ آیا فکر نمی‌کنی در این حالت مرگت فرا برسد؟ فرمود: اگر در این حال مرگم برسد. در وقتی رسیده که در یکی از طاعت‌های خدا می‌باشم.   
  
7. کار موجب کمال:[40]  
پیامبراکرم(ص) فرمود: نعم العون علی تقوی الله الغنی. بی‌نیازی که از کار و تلاش پدید می‌آید چه کمک خوبی است به تقوی الهی و ترک گناه و آن حضرت عرض می‌کند: خدایا به نان ما برکت ده و میان ما و آن جدایی میانداز. چه اگر نان نباشد ما نماز نمی‌خوانیم و روزه نمی‌گیریم و واجبات پروردگارمان را انجام نمی‌دهیم.   
  
8. ارتباط کار با سعادت آخرت بشر:[41]  
امام صادق(ع) فرمود: «لاخیر فیمن لا یحب جمع‌المال من حلال یکف به وجهه و یقض به ردیفه و یصل به رحمه» نیکی و خیر(خوبی و کمال) نیست در کسی که گردآوردن مال را(از راه حلال) دوست نمی‌دارد که بوسیله آن آبروی خود را حفظ کند و بدهکاریش را بدهد و با کمک به خویشانش صله‌رحم بجای آورد. «شخصی به آن حضرت عرض کرد: من دنیا را دوست می‌دارم و علاقه‌ای موجب هلاکت من نیست؟ امام فرمود: دنیا را برای چه می‌خواهی؟ عرض کرد برای اینکه احتیاجات خود و عیالم را تأمین کنم و به واسطه آن صله‌رحم به جا آورم و به فقرا کمک کنم و حج و عمره انجام دهم. آن حضرت فرمود: این طلب دنیا نیست، بلکه طلب(سعادت) آخرت است.   
  
9. پیغمبراکرم(ص) و ائمه(ع) کار می‌کردند:[42]   
تمام پیامبران و اولیاء خدا کار و تلاش می‌کرده‌اند به ویژه پیغمبراسلام(ص) و ائمه(ع). چنانچه امام صادق(ع) می‌فرماید: «کان رسول‌الله یحلب عنز اهله.» رسول خدا برای خانواده‌اش شیر می‌دوشید و امیر‌مؤمنان(ع) هیزم(از باغ و صحرا) می‌آورد و سقایی برای مردم می‌کرد و(در خانه را) جاروب می‌نمود و حضرت فاطمه(س) آرد را خمیر می‌کرد و نان می‌پخت و باز آن حضرت فرمود: رسول‌اکرم(ص) با دست خود هسته خرما می‌کشت و علی(ع) سنگ و زمین را می‌شکافت و کشاورزی می‌کرد و قنات حفر می‌نمود و با دست‌رنج خود هزار بنده را آزاد می‌کرد. و علی‌ ‌بن حمزه می‌گوید موسی ‌بن جعفر(ع) را دیدم در زمین خود کار می‌کرد و عرق از بدنش می‌ریخت، عرض کردم: جانم به قربانت مردها کجا می‌باشند که آنها کار کنند؟ فرمود: ای علی با دست خود کار کرده در زمین خود کسی که از من و پدر من بهتر بوده است. گفتم: چه کسی؟ فرمود: رسول‌خدا(ص) و امیر‌المؤمنین(ع) و پدرانم تمام آنها با دست خود کار می‌کردند و این عمل پیامبران و فرستادگان و اوصیاء و صالحان بوده است.   
  
مفاسد و زیان‌های بیکاری و سستی از نظر اسلام:[43]   
بیکاری، سستی، تنبلی مفاسد و زیان‌های فراوانی به دنبال دارد و لذا در اسلام نیز سخت از آن نکوهش شده است که در این بحث ضمن هفت عنوان در ذیل بیان شده است.   
  
1ـ بیکار، مورد غضب خداست:[44]   
همان‌طور که کار ارزشمند، بالاترین عبادت، جهاد، اطاعت خدا و موجب عزت است و کارگر محبوب پروردگار عالم است، بیکاری زشت و نکوهیده و نادرست و شخص بیکار مورد غضب خدا و نفرت خلق است. امام صادق(ع) نقل می‌کند: «ان الله یبغض کثره النوم و کثره الفراغ». «خواب زیاد و بیکاری زیاد مورد غضب خداست». و حضرت موسی‌بن جعفر(ع) فرمود: «ان‌الله عزوج لیبغض القبر النوام ان الله یبغض العبد الفارغ.»[45] و «به راستی که خداوند خشم دارد به بنده‌ای که زیاد بخوابد و شخص بیکار ورد غضب خداوند است.»   
  
2ـ بیکار عقلش کم می‌شود:[46]   
کار و فعالیت، فکر و مغز انسان را به کار انداخته و عقل و تدبیر را زیاد می‌کند چنانچه امام صادق(ع) می‌فرماید: «التجاره تزید فی العقل»[47] «تجارت و کار عقل را زیاد می‌گرداند.»   
  
3ـ بیکار، دعایش مستجاب نمی‌شود:[48]   
انتظاری که فرد بیکار، بدون تلاش دارد که دعایش و احتیاجاتش تأمین شود، بیجا بوده و همان‌طور که پیامبر(ص) فرمود: پنج دسته دعایشان به اجابت نمی‌رسد، یکی از آنها را فرمود: «رجل جلس فی بیته و قال اللهم ارزقنی و لم یطلب».«مردی که در خانه خود بیکار بنشیند و بدون اینکه دنیا تلاش و طلب روزی برود، بگوید: خدایا روزی نصیب من کن، دعایش مستجاب نمی‌شود.»   
  
4ـ بیکاری و فقر:[49]   
شکی نیست که با کار و تلاش چرخ‌های اقتصادی به راه افتاد. و نیازمندی‌های مردم فراهم می‌شود و بیکاری سبب رکود اقتصادی و پایین آمدن سطح تولید و موجب کمبود و درماندگی و فقر می‌شود. و همان‌طور که امام صادق(ع) در پاسخ به فضیل ‌بن یسار که گفت: من امروز بیکارم، فرمودند، کذلک تذهب اموالکم و اشتد علیه «همین‌طور(با بیکار بودن) مال‌های شما از بین میرود و فقیر می‌گردید و سخت او را مورد نکوهش و توبیخ قرار داد و نیز می‌گوید: من کار را ترک کرده بودم(و فقیر و بی‌سرمایه شدم) امام صادق(ع) فرمود: هرگز، چنین(بیکار) مباش، درب مغازه خود را باز کن وسایل کارت را پهن کن و از پروردگارت روزی بخواه.   
  
5ـ بیکار از رحمت خدا بدور است:[50]   
کسی که کار و تلاش نمی‌کند که مخارج خود و عایله‌اش را تأمین کند و گوشه‌ای از بار جامعه را بر دوش نمی‌کشد بلکه خود و عایله‌اش سر‌باری بر دوش جامعه می‌باشند، ملعون و از رحمت خداوند به دور است، چنانکه پیامبر(ص) فرمود: «ملعون من التی کله علی الناس.» ملعون است هرکس که(کار و تلاش نمی‌کند) و بار و زحمت خود را بر جامعه تحمیل کرده است. و در حدیث دیگر فرمود: «ملعون‌ ملعون من یضیع من یحول» «ملعون از رحمت خدا به دور است، کسی که(بیکار بوده و با درمانده کردن) عایله‌اش را ضایع و بی‌ارزش کند.»   
  
6ـ کم‌کاری بزرگترین عامل بدبختی:[51]   
همان‌طور که بیکاری زیان‌بار و بیکار مورد نکوهش است. کم‌کاری، سستی و تنبلی نیز نکوهیده و موجب ضرر است و فرد سست، بی‌حال و کم‌کار در امور دنیا و آخرت عقب ‌افتاده و ضرر می‌بیند، لذا، همان‌طور که در روایات اسلامی از بیکاری مزمت و نکوش شده از کم‌کاری و سستی نیز ملامت شده است، چنانکه امام باقر(ع) می‌فرمایند: «این لا بغض الرجل ان یکون کسلانا عن امر دنیا و من کسل عن امر دنیاه فهو من امر آخرته اکسل»: «من دشمن می‌دارم مردی را که در کار دنیایش بی‌حال و سست باشد و در کار آخرتش سست‌تر است» و امام صادق(ع) نیز فرمود: «کسی که در کار عبادت و نمازش سست باشد خیر(و خوبی) در آخرتش نیست و کسی که در اداره امور زندگیش سست و بی‌حال باشد خیر(و خوشبختی) در کار دنیایش نمی‌باشد» و نیز فرمود:«عدو العمل الکسل» «سستی و بی‌حالی دشمن کار است».[52]   
  
گزیده‌ای از سخنان حضرت امام خمینی(ره) پیرامون کار و کارگر:   
اسلام برای کارگر ارزش و برای کار ارج قایل است و ارزش و احترام. یعنی همانطور که یک فرد عالم، یک مرد مجاهد را توصیف می‌کند، فرد کارگر، زارع، هر کارگری را می‌گوید همه‌شان مثل همند. مثل شانه‌ای که این رگ‌هایی که دارد، همه هم‌قد هستند، مثل هم هستند... .   
داشتن استقلال در امور:   
ما باید ادراک این موضوع را کنیم که ما در هر کجا کار می‌کنیم در امر کشاورزی کار می‌کنیم، باید خودمان به خودمان تلقین کنیم که ما مستقل‌ایم و ما باید مستقل باشیم و نباید دستمان را به دیگری دراز کنیم برای اموری که کشورمان محتاج است.   
نظم در کارها:   
یک مطلب که باید کارگران کارخانه‌ها، کارگران معادن و همه کارگران در هر جا که هستند و کارمندان در هر جای کشور هستند توجه به آن کنند اینست که نظم را در هر کجا هست مراعات کنند. اگر بنا باشد در محیط کاری با بی‌نظمی بخواهند انجام عمل کنند، این بی‌نظمی موجب می‌شود که آنها نتوانند به وظایف اسلامی خودشان، به وظایف ملی خودشان عمل کنند. پس لازمست که همه کارگرها و کارمندان به یک نظم خاصی و یا گوش کردن به آنهایی که در رأس‌اند عمل کنند که به نتیجه مطلوب انشا‌الله برسند.  
  
حقوق کارگر از دیدگاه اسلام:   
تعیین مزد قبل از کار:[53]   
اسلام می‌گوید: هرکس می‌خواهد کارگری را به کار گیرد، نخست باید مزد او را تعیین کرده و به وی صریحاً اعلام نماید تا کارگر در صورت تمایل و رضایت به انجام آن کار اقدام نماید. این حقیقتی که با صراحت در روایات اسلامی به آن توجه شده است که چند نمونه در ذیل ذکر می‌کنیم:   
1ـ «نهی رسول‌الله(ص) ان یستعمل اجیرا حتی یعلم ما اجرته» از اینکه کسی کارگری را پیش از تعیین مزدش بکار گیرد منع فرمود. و امام صادق(ع) می‌فرمایند: هرکس ایمان به خدا و روز قیامت دارد، تا وقتی مزد کارگری را به او اعلام نکرده است او را به کار نگیرد.   
  
2ـ توافق در کار:[54]   
اسلام هرگز اجازه نمی‌دهد که فرد یا مؤسسه و حتی دوست، شخصی را به زور بدون رضایت و توافق او به کاری اجبارش کند، چنانکه علمای اسلام یکی از شرایط صحت و مشروعیت اجاره و کار گرفتن را میل و اختیار او ذکر کرده‌اند(و در صورتی که کارگر نابالغ باشد، میل و رضایت او بی‌اعتبار است(چون، ممکن است او را فریب دهند و حقوقش را کامل ندهند) در درستی و صحت اجاره و بکارگیری او اجازه از ولی و سرپرست او را لازم دانسته‌اند و...)   
  
3ـ شتاب در پرداخت مزد:   
اسلام همانطور که در تعیین مزد کارگر و رضایت او در اشتغال بکار سفارش کرده است، در فوریت پرداخت مزد کارگر نیز تأکید کرده است، تا جایی که می‌گوید: به مجرد اینکه کارگر دست از کارش کشید هنوز عرق کارش خشک نشده باید مزد او به وی پرداخت شود که چند نمونه روایت ذیل آمده است.[55]   
1ـ هشام‌بن‌ حکم از امام صادق(ع) نقل می‌کند در مورد کارگری که کار کرده است فرموده: «لا یححف عرقه حتی تعطیله اجرته.» «کارگر را تا عرقش خشک نشده اجرتش را به او بده»...   
2ـ شعیب می‌گوید:[55] ما عده‌ای کارگر گرفته بودیم که در باغستان امام صادق(ع) کار می‌کردند و آخرین کارشان عصر بود، وقتی که عصر شد حضرت به نماینده‌اش فرمود: اعطهم اجور هم قبل ان یحف عرقهم. تا عرقشان خشک نشده است اجرت و مزد آنها را پرداخت کن. علمای اسلام نیز ضمن لزوم تعیین مزد کارگر گفته‌اند، در صورتی که تأخیر پرداخت مزد کارگر را با او شرط نکرده باشند فورا با شتاب باید مزد او را پرداخت کنند.   
  
4ـ نکوهش در ندادن حق کارگر:[56]   
رسول‌اکرم(ص) در این‌باره فرمود: هرکس از نظر مزد به کارگرش ستم کند(که مزد او را ندهد یا کم یا دیر بدهد) خداوند عمل نیک او را تباه می‌سازد و بوی بهشت را بر او حرام می‌کند. و هم فرمود: «من خیرا اجره فعلیه لعنه الله». و نیز فرمود، هرکس مزد کارگرش را ندهد لعنت خدا بر اوست. امام صادق(ع) فرمود: «اقذر الذنوب ثلاثه، قتل البهیمه و حبس مهر المرئه و من منع الاجیر اجره». امام صادق(ع) فرمودند: پست‌ترین گناهان سه چیز است، بدون جهت کشتن حیوانات، خوداری کردن از دادن مهر همسر و کسی که مزد کارگرش را ندهد.   
  
5 ـ نکته اخلاقی:[57]   
ناگفته پیداست که کارگر منحصر نیست که کسی که در اداره، کارخانه، مراکز صنعتی، کشاورزی، تجاری و... کار می‌کند بلکه هرکس در هر جایی زحمت می‌کشد و کار مشروع سودمندی انجام می‌دهد، حتی زنی که کارهای خانه‌اش را انجام می‌دهد کارگر محسوب شده و ارزشمند است و حقوق او باید رعایت شود. پیامبراکرم(ص) فرمود: «مهنه احد کن فی بیتها تدرک جهاد المجاهدین انشا‌الله» زحمت و کار شما زن‌ها در منزلتان موجب رسیدن به پاداش مجاهدان است و علی(ع) فرمود،[58] «جهاد المرئته، حسن التبعل». «جهاد زن، خوب شوهر‌داری کردن او است» و نیز رسول‌اکرم(ص) فرمود: هر زنی که هفت روز، در خانه به شوهرش خدمت کند، هفت درب دوزخ بسته می‌شود و هشت درب بهشت برایش، باز می‌شود که از هر دربی بخواهد داخل گردد.(لذا مردها باید حقوق همسران خود را که در خانه زحمت می‌کشند رعایت کنند، چنانکه زنان نیز باید مواظب باشند که با بعضی رفتار زشتشان با شوهر، پاداش خود را از بین نبرند، چنانکه پیامبر(ص) فرمود:[59] هر زنی که شوهرش را با زبانش اذیت کند اول کسی است که داخل آتش می‌شود و هیچ عمل نیکی از او قبول نمی‌گردد.)   
  
بهترین کارها:[60]  
اگر چه تمام کارها مشروع و سودمند چنانکه روشن و واضح است از نظر اسلام نیکو و ارزشمند بوده و بالاترین عبادت است، همان‌گونه که پیامبراکرم(ص) فرمود: «العباده سبعون جز أفضلها طلب الحلال». عبادت هفت جز دارد و برترین آنها طلب روزی(و کار) حلال و(سودمند کردن) است.»   
  
اهمیت عمل:[61]   
اهمیت عمل از نظر اسلام تا جایی است که امام صادق(ع) در حدیثی که از ایشان نقل شده است «عمل را تمام ایمان می‌داند» و می‌فرماید: «الایمان عمل کله» و امام علی(ع) راه شناخت مؤمن را «عمل او می‌داند» و می‌فرماید: «المؤمن بعمله» چنانچه از متن تعالیم دینی استفاده می‌شود، عمل منبعث از معرفت و یقین برای مؤمن، نه تنها عبادت است، بلکه ایمان را به «عمل» تعبیر کرده‌اند. یادآوری این نکته ضروری است که منظور از عمل مجموعه رفتارهای فردی و اجتماعی بر اساس موازین دینی است.   
  
عمل امری است کیفی و نه کمی:[62]   
تعبیر آیات الهی از عمل به «عمل صالح»(و علموا الصالحات) و «بهترین اعمال»(احسن عملاً) مبین این مطلب است که از نظر اسلام، اصل بر کیفیت عمل است و نه کمیت آن. چنانکه امام صادق(ع) در تعبیر آیه شریفه «احسن عملاً» می‌فرمایند: لیس یعفی اکثر عملاً، و لیکن اصوبکم عملاً... ثم قال: «الابقا علی العمل حتی یخلص من العمل» «معنای این عبارت(آیه شریفه) زیادی عمل(کمیت) نیست. بلکه درستی عمل منظور است... بعد فرمودند: اصرار بر عمل تا به درجه خلوص برسد، از نفس انجام آن پر‌اهمیت‌تر است».   
  
عمل صالح با نیت و قصد قربت به خدا توأم است:[63]   
چنانکه حضرت علی(ع) می‌فرماید: «صلاح العمل بقدر صلاح النیه» «هر اندازه نیت صالح باشد عمل، صالح خواهد بود». در اسلام نیت، اساس عمل است و امام علی(ع) در غررالحکم می‌فرماید: «نیت اساس عمل است»   
  
همکاری در کار:[64]  
تعاون و همکاری همیشه مورد تأکید اسلام بوده است. زیرا همکاری در کارها، علاوه بر اینکه سرعت و شتاب کار را افزایش می‌دهد، به همان مقدار، جامعه سریع‌تر از نتیجه کار بهره‌مند می‌شود و جریان اقتصادی، جان تازه‌ای می‌گیرد و روحی اجتماعی تقویت، و الفت و محبت را بین افراد افزون می‌گرداند بدون جهت نیست که اسلام قدرت و عنایت خداوند را در آنجایی می‌داند که همکاری و هماهنگی باشد و می‌فرماید: «یدالله مع الجماعه» سیره پیامبراسلام(ص) این بود که در کارها همانند دیگران شرکت می‌فرمود، چنانکه در ساختن مسجد قبا خود نیز، سنگ و گل حمل می‌نمود تا اولین مسجد در اسلام با کمک همکاری مسلمانان ساخته شد. روزی که خبر حمله دشمنان به مدینه رسید و قرار شد تا برای افزایش قدرت دفاعی، گرد شهر مدینه خندقی حفر کنند و هر چند نفر از مسلمانان قطعه‌ای از زمین را برای کندن خندق تعیین کردند، پیامبر(ص) نیز همانند دیگران سمی برداشت تا در این کار عظیم با سایر مسلمانان همکاری داشته باشد. در سفری که پیامبراسلام(ص) به همراه جمعی از یارانش داشتند، می‌خواستند برای تهیه غذا گوسفندی را بکشند یکی ذبح گوسفند و دیگری پوست کندن و سومی پختن آن را به عهده گرفت که پیامبر(ص) فرمود: «و علی جمع الحطبه» «من هیزم جمع می‌کنم». عن‌النبی(ص) انه قال: «تحت ظل العرش یوم لاضل الاضله، رحل خرج ضارباً فی‌الارض یطلب من فضل‌الله ما یکف به نفسه و یعود به علی عیاله» از پیامبراکرم(ص) نقل شده است که فرمود: روز قیامت سایه عرش الهی بر سر آن مردی قرار می‌گیرد که برای تأمین مخارج زندگی خود و عایله‌اش از خانه خارج گردد و با تکیه بر عنایت خداوندی در روی زمین به جستجو و تلاش بپردازد.   
  
کار و شخصیت در اسلام:[65]  
روی عن‌الکاظم انه قال: «الأس مما فی ایدی الناس عز المومن فی دینه و مروته فی نفسه و جلالته فی عسیرته، مهابته عند عیاله و هو اغنی الناس عند نفسه و عند جمیع الناس. امام موسی‌بن‌ جعفر(ع) فرموده است. «از مردم قطع امید کردن و از ثروتشان چشم پوشیدن و به درآمد کار خود قانع بودن، برای مرد با ایمان مایه عزّ دینی و روح جوانمردی و شرف دنیوی است. چنین انسانی در نظر مردم بزرگ و بین فامیل خود محرم و محیط خانواده‌اش دارای هیبت و عظمت خواهد بود او در ضمیر خود و در نظر دیگران بی‌نیازترین مردم است...»   
  
عزت در سایه کار:[66]   
«عن زراره عن الصادق(ع): ان رجلاً أتاه فقال: اننی لا احسن ان اعمل عملاً بیدی، و لا احسن ان اتجر، و انا محارف محتاج. فقال(ع) اعمل و احمل علی رأسک واستغفن عن الناس» زراره می‌گوید: مردی به حضور امام صادق(ع) آمد، عرض کرد: دست سالمی ندارم که با آن کار کنم، سرمایه ندارم تا با آن تجارت کنم، مرد محروم و مستمندی هستم، چه کنم؟ امام صادق(ع) می‌دید که سر آن مرد سالم است و می‌تواند طبق رسوم محلی با آن کار کند راضی نشد عزّ و شرفش با گدایی از مردم در هم بشکند، به وی فرمود: با سرت بار‌بری کن و خود را از مردم، مستغنی و بی‌نیاز بدار.   
  
محکم‌کاری:[67]  
قال النبی(ص): ان الله تعالی یحب اذا عمل احدکم عملاً ان یتقنه: پیامبراکرم(ص) فرمود: خداوند متعال دوست می‌دارد زمانیکه یکی از شما کاری را انجام می‌دهد، محکم کار باشد.»   
  
کارهای روزانه:[68]   
قال علی(ع) لما لک الشتر: «وامض لکل یوم عمله، فان لکل یوم ما فیه.» «امیر‌المؤمنان علی(ع) به مالک اشتر فرمود: کار هر روز را همان روز انجام بده. چون برای هر روز، کاری مخصوص است.»   
  
خطر بیکاری:   
«کان رسول‌الله(ص) اذا نظر الی الرحل ما عجبه مال: هل له حرفه؟ فان قالو: لا، قال: سقط من عینی. قیل: و کیف...» سیره رسول‌الله این بود که هرگاه به مردی نگاه می‌کرد و از لحاظ جسمی نظر او را جلب می‌نمود، سؤال می‌فرمود: آیا شغل و حرفه‌ای داری؟ اگر در پاسخ می‌گفتن شغلی ندارد، می‌فرمود: از چشمم افتادی. به آن حضرت عرض می‌شد چگونه شخصیت او در نظر شما تنزل کرد؟ می‌فرمود؟ آنگاه که مؤمنی دارای شغل و حرفه‌ای نباشد، برای تأمین مخارج زندگی خود، دینش را می‌فروشد.(بحار ج103 صفحه 9)   
  
شگفتی‌هایی از گفتار کوتاه امام علی(ع):[69]  
(نامه‌ای به یکی از حاکمان) کارهایی در امر حکومت هست که ناچار خودت باید به انجام برسانی از جمله پاسخگویی به برخی نامه‌های کارگزارانت که از عهده دبیران بیرون است و آنها قدرت و تصمیم و توان اجابت ندارند، یا برآوردن بعضی نیازهای مردم که همکاران و مسؤلان برجسته‌ات از انجام آنها ناتوانند.(سپردن کار به اهل فن و اهل کار، تقسیم‌بندی کارها بنا به استعدادها و توانایی‌های اشخاص، رده‌بندی کارها براساس اهمیت، تأکید به انجام امور در این گفتار کوتاه به خوبی بیان شده است) در جای دیگر آمده است. «کار هر روز را همان روز به پایان برسان و به روز دیگر مگذار، که برای هر وظیفه و کاری است و... در اینجا هم به(فرصت‌شناسی و نظم در کارها و تقسیم‌بندی کارها برای هر روزی اشاره شده است). و در جای دیگر آمده(کار خیر را انجام دهید و آن را کوچک نشمارید که نیکوی کوچک بزرگ است و اندکش بسیار است.) «آنکس که مردم را به نیکوکاری وادار کند همچون نیکوکاران است و آنکس که مردم را به بدی وا‌دارد و با نیکی بستیزد، دشمن خدا و انسان‌ها است. نیکی را با ریا‌کاری انجام مده و از شرمگینی، کار خیر را رها مکن، کسی که کار نیک را از بد نشناسد همچون چارپایانست.   
  
گذری در نهج‌البلاغه:   
در این کتاب ارزشمند نهج‌البلاغه در مورد ارزش کسب و کار چنین آمده است:[70] «علامات المتقین ... و تجعلا فی فاقه و صبرا فی شده و طلبا فی حملال و نشا طا فی هدی، و تحرجا عن طمع یعمل الاعمال الصالحه و هو علی وجل» و از نشانه‌های پرهیزکاران این است که... «با داشتن علم بردبار، در توان‌گری میانه‌رو، در عبادت فروتن، در تهیدستی آراسته، در سختی بردبار، در جستجوی کسب حلال، در راه هدایت شادمان و پرهیز ‌کننده از طمع‌ورزی، می‌باشد اعمال نیکو انجام می‌دهد و ترسان است و...» در جای دیگر این کتاب در مورد ضرورت کار و تلاش در قسمت حکمت 150/5 آمده است: «...؛ تغلیه نفسه علی ما یظن، و لا یغلبها علی ما یستقین، یخاف علی غیر، بادنی من، ذنبه، و یرجو لنفسه باکثر من عمله و...» «...، برای دیگران که گناهی کمتر از او دارند نگران، و بیش از آنچه که عمل کرده امیدوار است، اگر بی‌نیاز گردد مست و مغرور شود. و اگر تهیدست شود مأیوس و سست شود، چون کار کند در آن کوتاهی ورزد و...» در مورد «سبقت در کارهای نیک» چنین آمده است در قسمت حکمت 422: «افعلو الخیر و لا تحقروا منه شیئاً، فان صغیره کبیر و قلیله کثیر، و لا یقولن احدکم ان احدا اولی بفعل الخیر منی، فیکون و الله کذلک، ان للخیر و، الشر اهلاً و...» «کار نیک به جا آورید، و آن را هر مقدار که باشد کوچک نشماید، زیرا کوچک آن بزرگ و اندک آن فراوان است و کسی از شما نگویید که دیگری در انجام کار نیک از من سزاوارتر است. اگر چه سوگند به خدا که چنین است و خوب و بد را طرفدارانی است که هرگاه هر کدام از آن دو را واگذارید، انجامشان خواهند داد. «در این حکمت یاد شده در بالا ارزش کوچک شمردن کارهای نیک نیز بیان شده است. در مورد «ارزش تداوم کار» در حکمت 444 چنین آمده است: «فضل الاستمرار فی العمل»: «قلیل مدوم علیه خیر من کثیر مملول منه»: خیر اندک که با اشتیاق تداوم یابد، بهتر از فراوانی است که رنج‌آور باشد. در این کتاب در مورد «علل موفقیت در کارها» چنین بیان شده است: «اجتناب من الاعمال المتنوعه» و «من اوما الی متفاوت خدلته الحیل: کسی که به کارهای گوناگون بپردازد، خوار شده و پیروز نمی‌گردد.» «در مورد ارزش والای انجام‌دهنده کارها» چنین آمده است: «فضل فاعل الخیر» فاعل الخیر منهم و فاعل الشر و شر منه: ارزش و والای انجام ‌دهنده کارهای خیر: «نیکوکار از کار نیک، بهتر و بدکار از کار بد بدتر است».  
   
نتیجه‌گیری و جمع‌بندی:   
انسان در نگرش اسلامی دارای کرامت و ارزش انسانی است و بر او بایسته است که پیش از هر چیز این کرامت ذاتی را در جهان هستی پاس دارد و تدابیری بیندیشد که خود را به جایگاه شایسته برساند. و از طرفی، کار از دیدگاه اسلام وظیفه طبیعی انسان، رمز رشد و پیشرفت فرد و جامعه، راز شادابی فرهنگ‌ها، شعار و شعور انسان توحید‌گرا، روح و جان دین محمد(ص) و پیشه شایسته کرداران خوبان بارگاه خداست. در قرآن کریم و در احکام اسلامی به ارزش کار و فرهنگ کار بهای ویژه‌ای داده شده است. در قانون اساسی کشور آن نیز وقتی بحث از کار، کارگر و کارمند و یا بطور کلی امر اشتغال می‌شود، به محرومیت‌زدایی‌ها و برآوردن نیازهای جامعه و فقر‌زدایی و ایجاد امکانات و شرایط لازم برای همه مردم در جهت اشتغال اشاره شده است. البته ارزش والای نیروی کار بر کسی پوشیده نیست وقتی ما پیرو مکتبی هستیم که پیشوایان این مکتب تأکید بر ارزش فوق‌العاده نیروی کار می‌کنند، خود گواه این امر است. تفکر کار و تلاش مثبت از حصول فرهنگ اسلامی می‌باشد و ارتقای اندیشه و پرورش فکری نیروی کار در گروه ارزش‌گذاری صحیح برای نیروی کار و فراهم آوردن محیطی مناسب برای حمایت از آنهاست. اصول مذهبی و موازین دینی ما از کار و تلاش صرف‌نظر از بعد مادی و ظاهری آن بعنوان یک ارزش یاد می‌کنند و از این‌ رو به وظیفه مدیران و کار‌فرمایان و سرپرستان محیط کار و روحیه کارکنان تأکید بسیار شده است.   
  
یک مدیر موفق و توانمند در بهره‌گیری از همه توانایی‌های نیروی کار و تلاش می‌کند که البته این امر بسیار دشوار است و می‌توان گفت که تنها با ارزش‌گذاری‌های مادی و معنوی به نیروی کار می‌توان از همه توانایی‌های آنها بهره گرفت. با استناد به فرمایش حضرت علی(ع) که کار ایمان را صیقل می‌دهد می‌توان به ارزش کار و نیروی کار پی برد. به این معنا که اهمیت کار آنچنان بالاست که در کنار ایمان مطرح می‌شود بنابراین باید به توسعه و ارتقای فرهنگ کار توجه بیشتری شود. اگر هدف ما توسعه انسانی است این توسعه انسانی دست نمی‌دهد مگر اینکه معتقد به توسعه اجتماعی باشیم که توسعه اجتماعی خود در گرو اولویت‌گذاری به نیروی فکر و اندیشه و تقویت روحیه اجتماعی است. باید توجه داشته باشیم که رسیدن به سطح مطلوب بهره‌وری در گرو داشتن عناصری آگاه، هوشمند، متعهد و نو‌آور، تحت سیستم اجتماعی و انسانی در محیط کاری است. که همه این‌ها میسر نمی‌باشد جز با ارتقای فرهنگ کار. در پایان سخن باید گفت که خداوند آدمی را موجودی چند‌بعدی خلق کرده است و شناخته می‌شود و بدیهی است که هر که از ابعاد انسان نیازمندی‌های دارد که نیازها باید برطرف شود. محیط‌های کاری، دل‌بستگی به وظایف و مسؤلیت‌ها را به صورتی منطقی و اصولی و در عین‌حال لذت‌بخش فراهم می‌سازد و شرایط ارضای نیازها و تمایلات عاطفی، ذوقی و معنوی کارکنان را مهیّا کنند، خود جنبه‌ای نمادین از ارزش‌گذاری برای نیروی کار است. بنابراین در محیط کاری باید شرایطی را فراهم آورد که هر یک از کارکنان بتوانند در رفع نیازمندی‌های انسانی خود و خانواده و شکوفایی استعداد و نبوغ شخصیتی‌شان، تلاش و کوششی آگاهانه معمول دارند و از این طریق زمینه ارتقای فرهنگ کار و ارزش‌گذاری نیروی کار فراهم آید.   
  
  
پی‌‌نوشت‌ها:  
[1]. «اخلاص در کار» مؤسسه پژوهشی، علمی، فرهنگی طلیعه منطق، انتشارات وثوق، چاپ اول سال 79   
[2]. فرهنگ معین، ج3، صفحه 2789   
[3]. کتاب کار و عبادت، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی   
[4]. نهج‌الفصاحه چاپ 10، حدیث 1   
[5و6]. همان کتاب جدیث 233 و 579.   
[7و8و9و10]. همان منبع چاپ 10 حدیث 746 ـ 873 ـ 1437 ـ 2146   
[11و12و13]. مستدرک الوسایل ج2 ص417   
[14]. وسایل الشیعه ج12 ، ص 19  
[15]. وسایل‌الشیعه ج12   
[16و17و18]. مستدرک الوسایل ج2 ص 417   
[19]. وسایل الشیعه ج12، ص19  
[20]. وسایل الشیعه ج  
[21]. من لا یحضره الفقیه ج 3 ص 98 «کتاب بهترین کارها و بدترین درآمدها در اسلام»   
[22]. کتاب حدیث ج 3  
[23و24و25]. وسایل ج 12 ص 12، 13، 11، 3(از کتاب کار و کارگر در اسلام)   
[26]. مستدرک اوسایل ج2 ص 417   
[27]. اسدالغابه ج2 ص 269(کتاب کار و عبادت)   
[28]. فهرست موضوعی غرر ص 92   
[29]. بحار‌الانوار ج18967   
[30]. اصول کافی ج2 ص 16 حدیث 4   
[31]. اخلاص در کار و عبادت از حائری شیرازی   
[32]. سفیته البحار ج1 ص208   
[33]. بحار‌الانوار ج 82 ص 136   
[34]. فهرست موضوعی غرر ص 93   
[35]. تفسیر قرطبی ج 5 ص 80 زیر آی 36 سوره نساء   
[36]. وسایل ج12 باب 4(از کتاب کار و کارگر در اسلام)   
[37]. وسایل ج 12(از کتاب کار و کارگر در اسلام)   
[38و39و40و41و42و43]. وسایل جلد 12(از کتاب کار و کارگر در اسلام)  
[44]. وسایل ج 12 حدیث 9   
[45]. وسایل ج 12 حدیث 3   
[46و47و48و49]. وسایل ج 12 حدیث 1و4و9   
[50]. سفیته البحار ج 1 ص 448   
[51]. اهمیت کار و ارزش کارگر در اسلام، دفتر امور فرهنگی تبلیغات اسلامی، چاپ نشر 1377  
[52]. اهمیت کار و مفاسد بیکاری، دفتر امور فرهنگی، از وزارت کار و امور اجتماعی   
[53]. وسایل ج 13 ص245 و ص246   
[54]. تحریر الوسیله ج1   
[55]. وسایل ج 13 حدیث 1   
[56]. شرایع الاسلام، قسمت اجاره شرط اول و شرط سوم   
[57]. وسایل ج 13 ص 247   
[58]. نهج‌الفصاحه ص 37   
[59]. نهج‌البلاغه حکمت ص131   
[60]. ارشاد دیلمی   
[61]. مهم‌ترین کارها و بدترین درآمدها در اسلام، نشر تبلیغات اسلامی  
[62]. کافی ج2   
[63]. الوافی ج1  
[64]. کتاب وجدان کار، دفتر نشر برگزیده   
[65]. دعائم الاسلام ج 2   
[66]. سفیته البحار غنی ـ به نقل الحدیث   
[67]. محجه البیضا ج 3  
[68]. میزان الحکمه ج 7   
[69]. نهج‌البلاغه نامه 52   
[70]. شگفتی‌های نهج‌البلاغه، فخرالدین، انتشارات بعثت   
  
فهرست منابع و ماخذ:   
[1]. اخلاص در کار: مؤسسه پژوهشی علمی فرهنگی طلیعه منطق. انتشارات وثوق چاپ اول سال 79.    
[2]. قرآن کریم.   
[3]. نهج الفصاحه: ابوالقاسم پاینده مترجم جعفر خلیلی. تهران مؤسسه فرهنگی همسایه ج1. 1378.   
[4]. کتاب حدیث: تألیف مجید عارف. تهران. چاپ کویر. ج 3 ـ 1377.   
[5]. فهرست موضوعی غرر: مجموعه آثار شریعتی: تنظیم بوسیله فیروزه صابر و دیگران. تهران. چاپ مدرس 1369.   
[6]. اصول کافی تألیف ابن‌جعفر محمد‌بن یعقوب کلینی. 339 ق. ترجم جواد مصطفوی. تهران علمیه اسلامی. 1344.   
[7]. اخلاق در قرآن: تألیف محی الدین حائری شیرازی. تهران. واحد مطالعات و تحقیقات فرهنگی تاریخی 1361.   
[8]. سفینه البحار غنی: عباس قمی. ج یک. تهران . فراهانی. کتابخانه سینایی 1363.   
[9]. تفسیر قرطبی: تألیف محمد قرطبی: جلد 5.   
[10]. اهمیت کار و تلاش کارگر در اسلام: دفتر امور فرهنگی تبلیغات اسلامی. چاپ نشر. 1377.   
[11]. اهمیت کار و مفاسد بیکاری: دفتر امور فرهنگی از وزارت کار و امور اجتماعی.   
[12]. تحریر الوسیله: مؤلف علی‌الحسین الاشکوری. پژوهشکده امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی. ج1. 1380.   
[13]. نهج‌البلاغه: ترجمه و متن عربی: مترجم محمد دشتی. انتشارات مشرقین. چاپ 3. دانش قم تابستان 79.   
[14]. مکارم الاخلاق مؤلف حسن الفضل الطبرسی قرن 6. ترجمه ابراهیم میر‌باقری چاپ تهران فراهانی.   
15 ـ بهترین کارها و بدترین درآمدها در اسلام: چاپ و نشر تبلیغات اسلامی 1377.   
[16]. غرر الحکم: تألیف عبدالواحد: محمد آموسی. ترجمه جمال‌الدین محمد خوانساری چ دانشگاه تهران. 1360.    
[17]. الوانی: تألیف فیض کاشانی 1091 ه.ق.(محمد‌بن شاه مرتضی) چاپ در اصفهان. مکتب علی. 1406 ه.ق.   
[18]. میزان‌الحکمه: تألیف ابوالفتح عبدالرحمن خازبن: مقدمه و تعلیقات مدرس رضوی.   
[19]. شگفتی‌های نهج‌البلاغه: تألیف فخر‌الدین. تهران. انتشارات بعثت.   
[20]. کار و عبادت: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی. وزارت کار و امور اجتماعی. بهار سال 1377.   
[21]. حقوق کارگر از دیدگاه اسلام: دفتر نشر و تبلیغات اسلامی در دفتر امور فرهنگی چاپ 1377.   
[22]. وجدان کار: ناشر دفتر نشر برگزیده تابستان 80 . چایخانه سلمان فارسی.   
[23]. اخلاص در کار و عبادت: دفتر فرهنگ وزارت کار و امور اجتماعی. انتشارات منطق زمستان سال 1379.